

این نشریه رایگان می باشد

# زرتشتیان



# ماهنامه

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

شماره ۳ - پاییز ۳۷۴۴ زرتشتی، ۱۳۸۵ خورشیدی، ۲۰۰۶ ترسای

- جشن مهرگان خجسته باد
- بزرگداشت استاد پوردادود
- زبان پارسی - زبان ایرانی
- گاتها، سرودهای زرتشت
- بیستون در رده آثار باستانی جهان
- بازیهای ورزشی زرتشتیان



دکتر شاپور شهبازی در گذشت



## سخن نخست

تماشای بازیهای ورزشی فوتبال جام جهانی شور و هیجان زیادی در میان بسیاری از مردم این سرزمین بویژه مهاجرین مقیم این کشور بوجود آورد و به راستی تیمی که بازیکنان آن دارای هماهنگی، همبستگی و مدیریت یا رهبری درست بود به مقام قهرمانی رسید. یکپارچگی، مدیریت درست و راهبری در هر سازمان یا گروه و یا کشوری موجب پیروزی و سربلندی آن می گردد.

افزونی کوچ و مهاجرت گروه زیادی از ما بهدینان به این سواز جهان بدون شک ما را در آستانه یک دگرگونی اجتماعی قرار داده است. مرکز زرتشتیان با آغوشی باز و دلی آکنده از مهر و دوستی به پیشواز این دوستان و نازنیان میروند. این دوستان همراه با خود کوله باری از داستانها و خاطرات خوب و بد و حقایق تلخ و شیرین به این دیار می آورند. این بهدینان نیاز به همکاری و همیاری دارند. فراموش نکنیم که ما به پیام خردورزی و اندیشه نیک که اشوزرتشت به جهانیان داده است پایبند هستیم و به آینده ای روشن بدور از هر گونه خرافات و موامعات می نگریم.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در راستای همفکری و همیاری به این دوستان گروهی متشکل و نشست هایی در این راه برگزار کرده است. مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با سرشماری دقیق هموندان و با آگاهی به امکانات کنونی زرتشتیانی که مقیم امریکا هستند می تواند برنامه ریزی درست تری انجام داده، انچنانکه قادر خواهد بود پروژه های کوتاه مدت و دراز مدت و برنامه ریزی های آینده را دقیق تر پیش بینی کرده و به مرحله اجرا درآورد تا همگان از آن بهره مند گردند. بدین سبب هموندی یا به عضویت در آمدن به مرکز زرتشتیان را به همه همکیشان پیشنهاد می کنیم و آن را بایسته می دانیم. این چنین باد که آرزو داریم.

## ماهنامه زرتشتیان

- فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، علمی، ادبی و غیر سیاسی
- پاییز ۳۷۴۴ دینی زرتشتی برابر با ۱۳۸۵ خورشیدی برابر با ۲۰۰۶ ترسای

• شماره سوم، تیراژ ۵ هزار نسخه

• سردبیر: مهرداد ماندگاری

• زیر نظر:

گروه انتشارات مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

• با همکاری انجمن مدیران گردش ۱۴ مرکز:

منیژه اردشیری، نسرین اردیبهشتی، آرمیتی یزدانی، هوشنگ فرهنگند، اردشیر باغخانیان و شهریار افشاری

• ترتیب انتشار: هم اکنون هر سه ماه یکبار

• عکس های بازیهای ورزشی: فریدون

دمهری و Oshihan.org

• تایپ و صفحه بندی از: حسن علیزاده

• همکاران گروه انتشارات:

شهرزاد اش، موبد بهرام دبو، آرمیتا

دلایل، دکتر نیاز کسروی، دکتر

زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری

، نسرین اردیبهشتی، شاه بهرام پولاد

زندگی، مهزاد شهریاری، موبد کامران

جمشیدی، آرمان آریانه

• دیگر همکاران که ما را در این شماره

یاری دادند: ماندانا پیشدادی مزدیسنی

، جمشید پیشدادی، توران بهرامی

(شهریاری)، دکتر پرویز کوپایی، رستم شیر

مردیان، شهره خداوندی، آرویس رشیدی،

استاد باقر علوی، موبد کورش نیکنام،

آرش ضیا تبری، دکتر علی اکبر جعفری،

ارشام دیانت، انوشیروان مهرورزان، تهران

قصری، دکتر ناصر انقطاع و دکتر ابرور

• ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان

کالیفرنیا از تمامی نویسندگان مقاله می پذیرد.

• مقالات می باید با خط خوانا نوشته شده باشد.

• گروه انتشارات در ویرایش و کوتاه

کردن نوشته ها آزاد است و مقالات رسیده

بازگردانده نمی شوند.

• نظرها و پیشنهادات منعکس شده در نوشته

ها رای و نظر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز

زرتشتیان نمی باشد.

• مقالات ارسالی از راه پست معمولی و یا

پست الکترونیک پذیرفته می شود.

Tel: 714- 893-4737

Fax: 714- 894-9577

Email: info@czcJournal.org

www.czcJournal.org

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما

درخواست می کند که نوشتار ها،

فرتورها (عکس ها) و پیشنهاد های خود

را به نشانی info@czcJournal.org

برای مرکز بفرستید. فرتورهای برگزیده

با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای www.czcJournal.org می

توانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را

بینید.

## بزرگداشت کورش بزرگ در سال ۲۰۰۶



## فرمان حقوق بشر کورش بزرگ

بخشی از فرمانی که از سوی کورش بزرگ در سال ۵۳۵ پیش از میلاد نوشته شده است

منم کورش شاه شاهان، شاه بزرگ، شاه قدرتمند، شاه بابل، شاه سومر و آکاد، شاه چهار کشور، پسر کمبوجیه شاه بزرگ شاه شهر انشان، نواده کورش شاه بزرگ از شاخه سلطنت جاویدان که دودمانش مورد مهر اهورامزدا و حکومتش به دلها نزدیک است.

هنگامیکه با آرامش و دوستی وارد بابل شدم در میان شادی و سرور همه مردم در کاخ شاهان بابل به تخت شاهی نشستم. لشکر بزرگ من صلح آمیز در میان شهر بابل حرکت کرد و نگذاشتم آزار و اذیتی به مردم این شهر و سرزمین سومر و آکاد وارد آید. اندیشه امور داخلی و اماکن مورد ستایش بابل مرا تکان داد.

فرمان دادم همه در پرستش خدای خود آزاد باشند و بی دینان آنان را آزار ندهند.

فرمان دادم هیچیک از خانه های مردم خراب نشود و هیچ کس از اهالی شهر را از هستی ساقط نکنند.

فرمان دادم تمام معابد بسته شده شهر بابل و سومر و شوش و آکاد و همه سرزمینهای آن طرف دجله قرار دارند و از دوران گذشته بنا شده بودند گشوده شوند و همه خدایان این نیایشگاهها را بجای خودشان باز گرداندم تا همیشه در آنجا مقیم شوند.

فرمان دادم خدایان سومر و آکاد را که نبونید به بابل آورده و سبب خشم شده بود بی آسیب به جایگاه آنها که شادی دل نام داشت باز گرداندم.

تمام پادشاهانی که در همه کشورهای جهان از دریای بالا تا پایین و پادشاهان غرب که در چادر زندگی می کردند همه پیشکش سنگین خود را به بابل آوردند و به من دادند.

اهالی این محل ها را جمع کردم و خانه های آنها را که خراب شده بود را از نو ساختم و صلح و آرامش را به همه بخشیدم.

اهورامزدا از من خرسند شد و به من که کورش هستم و به پسر کمبوجیه و به تمامی سپاهیان من افزونی و فرخندگی را بخشید.

## با سپاس فراوان از دهشمندانی گرامی

آقای فریدون زابلستانی مرادی  
خانم مهری و آقای شهریار خنیده

که با گشاده دستی و بزرگواری ستایش برانگیز، به این رسانه یاری داده اند  
و انگیزه سرپا ماندن آن را فراهم آورده اند، ارج می نهیم.

# مهرگان

از انوشیروان مهرورزان  
برگرفته از فروهر

مهرگان آمد با گردونه ای زرین، با بال زرافشان با گندم زارها و تاکستان های زرین که پهنه دشت و دمن کرد.

مهرگان آمد با درفش کاویانی و پتک کاوه ی آهنگر، و جوانمردی چرمین پوش دلاور، که دروغ و ترفند و فریب را باور نداشت و بازوان ستبرش را پشتوانه ی قیام پیروزمندش کرد.

مهرگان آمد با خورشید مهرگانی، با نوید برکت و مهربانی و مهر.

مهرگان آمد با سرود و سروش آسمانی که خوبی و پاکی و اشویی و راستی اهورایی را در ایران زمین بگستراند و زشت نهادان و کج روان و کج رفتاران و اهریمنیان را از این خطه ی پاک برهاند.

مهرگان آمد با رنگ و بوی آریایی و با نقش آسمانی با آیین و رسم جاودانی و خیر و خیرات و گهنبار مهرگانی.

مهرگان آمد با پاییز برگ ریزان با آمیزش آب و آتش. مهرگان آمد که رنگین کمان آسمانی اش سرخ و سپید و سبز که درفش کاویان را به جلو آورد و پرچم برافراشته ی ایران ما را یادآور باشد.

مهرگان آمد در ورای ایران و در گوشه و کنار دنیا با اشک و درد و حسرت این آشنای غربت غریب و با یاد و یادگار جشن مهرگانی با فرازی از سنت ها و آیین های باستانی با شعار زیبا از اهورامزدا ی نیاکان در اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک به نیایش مهرگان می رویم و از هنر و آیین و فرهنگ ایرانی و عنصر ایرانیت پاسداری و نگهبانی می کنیم و در برابر آسیب ها و گزندهای حوادث و وظیفه ی انسانی و میهنی می دانیم. باور داریم که نهال فرهنگ در جامعه ای آزاد بارور می شود و اگر آزادی فرهنگ پژوهیده شود چگونگی زندگی بهبود می یابد.

هنر و فرهنگ ریشه در اعماق ما دارد و از جان ها و روان های پاک مایه می گیرند و در جان و روان های پاک نشان می گذارند.

مهرگان آمد در سرزمین ما در سرزمین های دور و با هزاران فرسنگ و دور از ایران زمین با هزاران رشته ناگسستی با آرمان های کهن و سنت های دودمان ها و ایران و سرزمین آباد به هم پیوند و پیوسته اند.

مهرگان را می ستاییم که دارنده ی دشت های بی پایان و سازگار و سرشار از شادی و هم آهنگی و آسایش. مهرگان را می ستاییم که مهر به یاری مان آید. باشد که مهر گشاینده برای کار ما باشد.

مهرگان را می ستاییم که مهر به دستگیری ما آید و باشد که به دلداری از ما آید، باشد که برای درمان دردمان آید، باشد که برای پیروزی ما آید که برای شادی ما آید، باشد که برای شادمانی درونی ما آید.



# باور ایرانمداری

سروده توران شهریاری ( بهرامی)

پرتو نور اهورایی بتابد بر دیارت بر مرادت تا پسین دم گردش لیل و نهارت بگذرد با راستی و داد و دانش روزگارت شد خرد همراه با مهر آفرینی راهکارت باشد از مهر خرد زان روزگاران بود و تارت شادی و آزادی و انسانمداری برگ و بارت زین سبب تا واپسین دم هست گیتی وامدارت این دو از پیدایش ایران شدند آموزگارت روم و یونان گرد آن خوان مقدس ریزه خوارت تا سه اصل سرمد و جاوید نیکی شد شعارت دشمنانت سنگها افکنده در هر رهگذارت تا نباید سلطه و بیداد هرگز در دیارت رستم فرمند بر رخس تکاور شهسواریت بود کیخسرو سیاوش وار از جان دوستارت تا شدی پیروزگاز با یاری پروردگارت بوده اند این نامداران جهانفر شهریارت باشد آن بنوشته ها در هر زمانی افتخارت تا که اسکندر بیامد بهر جنگ و کارزارت روح اسکندر چنان تائیس باشد شرمسار بود او جان بر کفی از عاشقان بیسمارت تاق کسری با دل خونین بود آئینه بارت تا که از آئینه دل بسترد زنگ و غبارت خواست تا سازد رها از چنگ خصم دیو سارت قدرت دشمن ستیز و یاور ایرانمدارت با ستونهای بلند و نقش های خوش نگارت دست معمار هنر بنیان گزار شاهکارت جشن نوروزاست از آن دوران دیرین یادگارت شد اشوزرتشت و فردوسی و کورش رهسپارت از تو بگرفتند نا اهلان امان و اختیارت گه بیامد بر یمینت گه بیامد بر یسارت فتنه ها انگیخت خصم حيله گر از هر کنارت آفرین بخردان و اهل دل بادت نثارت تا دم مرگش بود از عاشقان بیقرارت پرتو فر جهانگیر اهورا باد یارت

نازنین ایران فروغ جاودانی باد یارت باد جاویدان بکامت چرخش گردون گردان چشم جانت روشن از نور خرد بادا بگیتی بوده ای بس روزگاران مهد فرهنگ و تمدن ریشه در اسطوره ها داری وزان پی در حماسه چون درختی سایه گستر سایه افکندی به هر سو ریشه فرهنگ پر بارت ز هر سو زد جوانه مهرورزی و خرد از باستان شد رهنمونت کیش میتراپی و مزدایی بگستردند خوانی وه چه ها کردی تو با آن قدرت فرهنگ سازی دوستان فرهنگ پر بار ترا کردند تحسین کاوه آهنگرت ضحاکیان را کرد بندی آرشت با جانفشانی دشمنت را کرد حیران گیو و گودرزت چورستم، پهلوان و دشمن افکن خستی از افراسیاب و اشکبوس و جنگ توران داریوشت همچو کورش مظهر داد و عدالت زین دو تن ماندست برجا سنگ بنوشتارهایی حکم ها راندی بمهر و داد و نیکی قاره ها را آوخ از آن کارهای زشت و آن ویرانگریها آریوبرزن فرا رویش چو کوهی خاست بر پا بعد چندین قرن بر بوم و برت تازید تازی زان پس از آستین دست ابر مردی درآمد بابک نام آورت جان باخت تا ایران بماند دشمن ویرانگرت را بارها بشکست درهم تخت جمشیدت شگفتی در شگفتی آفریند خیره شد چشم جهان بر آن نقوش و آن تمدن شیوه و آئین خوبت بهره گیری از طبیعت بود راحت راستی و شادی و مهر و نکویی گرچه گاهی هم ستمکاران بتو راندند فرمان تیغ چنگیزی و تیموری و عثمانی و افغان دشمن گستاخ زد تیر جفا از شرق و غربت ظلم ظالم ها نماند اما تو جاویدان بماندی هر که در رگهای او جاریست خون پاک ایران تا جهان برجاست ایران جاودان بر جا بمانی



# استاد پور داود

از جمشید پیشدادی

آنجا یک‌بار بیشتر هموندان کانونهای آزادخواه از خود فرامیزی (استقلال) میهن می اندیشید و به آن مهر می ورزید. ما برای نشان دادن چیرگی استاد به چکامه سرایی و میزان دل‌بستگی و مهر پور داود به میهن خود چند نمونه از سرودهای او را بازگو می نماییم و سپس دنباله سرگذشت را می گیریم. استاد این چامه پنج تایی (مخمس) را در آغاز جنگ جهانسوز نخست و بخش نوین ایران میان روس و انگلیس سروده است.

## خطاب به ملت ایران و سپس امپراطور روس

وقت آسایش و سستی نبود باز آید  
دوره خواری و پستی نبود باز آید  
موسوم خویش پرستی نبود باز آید  
گاه مدهوشی و مستی نبود باز آید  
روسوی راه نهیدار که نه اید از مستان

اگر از خاک سرخسیم و اگر از اهواز  
گرز گیلان و عراقیم و اگر از شیراز  
اگر از حد بلوچم و اگر از قفقاز  
جمله هستیم در این خاک شریک و انبار  
همه را بهره یکی باشد در سود و زیان

گرمسلمان و نصاراد گراز زرتشتیم  
لیک از یک پدر و یک نسب و یک پشتیم  
بر کف کشور پنداری پنج انگشتیم  
تا که جمعیم به دندان اجابت مشتمیم  
ور پراکنده و فردیم شکار آنان

مرغ دل باختگانیم، وطن لانه ماست  
آهوی یک چمن و ایران کاشانه ماست  
پوریک مام و وطن مادر فرزانه ماست  
همه فرزند یکی باب و وطن خانه ماست  
جمله پرورده یک دایه و سیر از یک خوان

اگر بخواهیم زندگینامه استاد پور داود را بگونه رسا بنویسیم، نوشتاری خواهد شد افزون بر سیصد رویه و چون ما را در این رسانه توانی بر چنین کار نیست، کوتاهی از سرگذشت این استاد گرانمایه را از نوشتار کوتاهی از پخشنامه انتشارات «کنکاش» موبدان ایرانی امریکای شمالی نوشته فرزانه جمشید پیشدادی برداشته و در این رسانه به آگاهی همکیشان می رسانیم.

یکی از دانشمندانی که به راستی نزد همه ایرانیان بویژه زرتشتیان ارج و پاس فراوان دارد و هم ردیف دانشمندان بزرگ جهان در ایران و بیرون از ایران شناخته شده است، ابراهیم پورداود استاد زبان و فرهنگ ایران باستان است. او بنیان گذار آموزشگاه ایرانشناسی در سرزمین ایران و موجب سرفرازی همه ایرانیان و همه کسانی که به تاریخ درخشان و کهن ایران عشق می ورزند، بویژه ما زرتشتیان است که خود را بازمانده راستین این فرهنگ و زبان می دانیم و همواره اندیشه بزرگی و سروری ایران را در سر می پرورانیم و آرزوی زنده شدن فرهنگ و زبان نیاکان خود را داریم. چرا که این فرهنگ زاینده آموزش های اشوزرتشت است.

ابراهیم فرزند حاج داود نوه محمد حسین رشتی در بیستم بهمن ماه ۱۲۶۴ در رشت بدنیا آمد. مادرش دختر حاج ملا حسن خمایی یکی از مجتهدان بزرگ و شناخته شده رشت بود. دوران کودکی را چون دیگر کودکان در دامان پر مهر مادر و نوازشهای پدر پسری نمود. نزدیک به شش سالگی او را به مکتبی که پدرش حاج داود و خاندان پدری اش برای تربیت فرزندان بوجود آورده بود سپردند. او در آنجا به آموختن سواد فارسی و دانش پایه ای دین و خواندن قرآن و برنامه های دیگر آن روزی پرداخت.

با آغاز زرمه مشروطه و آزادی خواهی که یکی از کانون های آن هم در گیلان آغاز بکار نمود به آتش درونی فرزند داود دامن زد. از

تنها باستان شناس و ایران شناس بود، بلکه نویسنده ای چیره دست و چامه سرایی توانا بود. او به فراخوانی دکتر رابیندرانات تاگور و گزینش دولت ایران استادی دانشگاه -Visua-Bharati ویسو بهاراتی در رشته فرهنگ ایران را پذیرفت و از آذر ماه ۱۳۱۱ تا اسفند ماه ۱۳۱۲ به آموزش فرهنگ و تمدن ایران باستان در آن دانشگاه پرداخت.

استاد پورداود از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۴۳ برای مدت ۳۷ سال در دانشگاه تهران استاد کرسی اوستا شناسی و فرهنگ ایران باستان را ویژه خود نمود و در سال ۱۳۴۳ به همراه چند استاد دیگر از آن میان علی اصغر حکمت و دکتر رضا زاده شفق بازنشسته شد.

استاد پورداود به هر کجا که پا می گذاشت، چه در ایران و چه در هند و چه در اروپا، برای سخنرانی خوانده می شد و او از روی میل فراخوانی آنان را می پذیرفت و به شناسایی فرهنگ و تمدن ایران باستان می پرداخت.

از جمله سخنرانی هایی که در فرانسه «انجمن ادبی ایرانیان» نمود «فوائد انجمن»، «سجایای زبان فارسی»، «فوائد دانش» سخنرانی هایی که در هند نمود «اودواره- ایرانشاه»، «معرفی آتش بهرام»، « پیشوایان دین مزدیسنا»، تقویم و فرق دین مزدیسنا، « زبان فارسی فروردین (فروشی)»، «دروغ»، « ایران قدیم و نو» بودند. استاد پور داود در همه سخنرانی ها از ایران و از فروزه های بینش ایرانیان- از فرهنگ مزدیسنا سخن رانده است.

استاد پورداود در درازای زندگی پربار خود که پر از بررسی و پژوهش بود نوشتارهای ارزنده ای بجا گذاشت که او را جاودانی ساخت. برنامه زندگی پورداود پژوهش، آموختن و نوشتن بود. او تا پایان زندگانی کتاب می خواند و پژوهش می کرد. آنها را می نوشت و برای آیندگان سرمایه می اندوخت. او استاد بود و استادپرور. او ایرانی بود و ایران دوست و دل‌باخته نیاکان خود و به دین و فرهنگ نیاکان خود سرفراز بود.

استاد پور داود نوشتارهای فراوانی در روزنامه و هفته نامه های کشور و بیرون از کشور نوشته است که اگر گردآوری شود و در یک جا گرد آیند خود دفتری هزار برگ خواهند شد.

استاد پور داود در سپیده دم روز ۲۶ آبان ماه ۱۳۴۷ در سن ۸۳ سالگی با سکت قلبی جان به جان آفرین داد و ایران و ایرانیان و ایران دوستان را تنها گذاشت.

روانش شاد و یادش گرامی باد

ای صبارو به نکولای به اندیش بگوی  
دست آز و طمع از بردن این خاک بشوی  
گوهزاران سر در رزم بغلطد چون گوی  
نبری بهره از این خاک نه جونه سر سوی  
خود میازار عبث پای بکش از میدان

استاد پورداود در سال ۱۳۲۱ خورشیدی ریاست هیئت نمایندگی ایران در بیست و پنجمین کنگره خاورشناسان را که در مسکو سازمان یافته بودند پذیرا شد. استاد پورداود در اسفند ماه ۱۳۲۲ پس از ۹ سال دوری از کشور افسانه ای هند به همراهی رشید یاسمی و علی اصغر حکمت که سالیانی سفیر ایران در هند بود برای بار سوم به خاک هند گام نهاد.

یک سال پس از سومین سفر او به هند، یعنی در سال ۱۳۲۴، دانشگاه تهران پیاس کارهای فرهنگی و ادبی او شصتمین سال زاد روز استاد را با شکوه فراوان جشن گرفت و در همین جشن بود که شاگرد و جانشین او دکتر محمد معین یادنامه ای از استاد به چاپ رسانید.

در سال ۱۳۴۰ دولت اسرائیل برای شرکت در سومین کنگره بین الملل یهود که به انگیزه دوهزار و پانصدمین سال آزادی یهود بدست کورش بزرگ ترتیب داده بود، استاد پورداود فرزند شایسته کورش را فرا خواند. در این کنگره «بن گورن» سیاستمدار بلند آوازه آن کشور، در فرودگاه گام نهادن استاد را در خاک اسرائیل گرامی داشت.

در سال ۱۳۴۳ دانشگاه دهلی جشن بزرگی را به انگیزه هشتادمین سال زایش استاد برپا داشت و دکترای افتخاری آن دانشگاه را به وی پیشکش داشت.

در سال ۱۳۴۴ به هموندی آکادمی جهانی «هنر و دانش» «ورل» برگزیده شد. در همین سال دربار واتیکان به پاس پایه بلند او در دانش انسان دوستی استاد، نشان بین جهانی شوالیه «سن سیلوستر» را به وی ارزانی داشت.

در سال ۱۳۴۵ دولت هند نشان «تاگورا» را که بزرگترین نشان علمی و فرهنگی هند است و تا آن زمان بیش از چهار نفر از دانشمندان نامدار جهان مانند «آلبرت شواتزر»، «پرفسور تواین بی»، «رادا گریشنا» رئیس جمهور آن روز هند و «برتران راسل» به دریافت آن دست نیافته بودند، به استاد پور داود پیشکش نمود.

استاد در ایران هموند شورای عالی فرهنگی (سلطنتی، هموند فرهنگستان ایران سرنشین (رئیس) فرهنگی ایران و آلمان، سرنشین کتابخانه سلطنتی بود و نشان درجه یک همایونی را نیز ویژه خود ساخت.

استاد پورداود دانشمندی بی همتا بود. او نه

## ابراز همدردی

فرهنگ دوست ایرانی، نویسنده توانا و مردی با مهر به ایران و زرتشت، درگذشت. استاد برهان ابن یوسف ابن ایرانی پاک نهاد با چاپ و نشر ده ها کتاب در شناسایی فرهنگ ایران باستان، جشنها و بزرگان شعر و ادب ایران زمین کوشش های بسیاری کرد.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا درگذشت این فرهنگ دوست را به همسر گرامی وی «بانو سرور نیری». خانواده گرامی و دیگر مهرورزان به ایران زمین تسلیت می گوید و شادی روان او را خواهان است.

## بزرگداشت

جاودان فرهیخته و دانشمند فرهنگ ایران باستان

زنده یاد

## استاد ابراهیم پورداود

با خشنودی به آگاهی همگان میرسانیم که در روز شنبه ۱۷ اکتبر ۲۰۰۶ در سالن مروارید مرکز زرتشتیان کالیفرنیا مراسم بزرگداشت این بنیانگذار آموزشگاه ایران شناسی و استاد فرهنگ ایران باستان با حضور دختر این استاد بانوی گرامی پوراندخت پورداود از ساعت ۵ پسین برگزار می گردد.

برای آگاهی بیشتر با دفتر مرکز با تلفن

۴۷۳۷-۸۹۳-۷۱۴

تماس بگیرید



## غارت فرش بهارستان به دست تازیان

استاد باقر علوی  
برگرفته از پیک کنکاش

نامش ابوعلی محمد بن بلعمی بوده، چندی وزیر «عبدالملک ابن نوح» و نیز «منصور ابن نوح سامانی» بوده است. وی مردی صاحب فضایل و کرامات و مورخی محقق و موشکاف به شمار می رفته و به دستور «منصور نوح سامانی» به ترجمه و تالیف تاریخ بلعمی مبادرت نموده است و در سال ۳۶۳ هجری قمری (برابر با ۹۹۶ میلادی) در گذشته است و همانگونه که گفتیم او می نویسد: «فرش بهارستان» را «فرش زمستانی» نیز می نامیدند. فرش بی مانند و گرانبهای «بهارستان» از جنس زریفت بوده است. پهنای آن ۶۰ ارش و درازایش نیز ۶۰ ارش بوده است. (هر ارش یا آرش فاصله ی آرنج تا سر انگشتان بوده که به مقیاس امروزه برابر نیم متر می شود) و از این رو مساحت کلی در مرز ۶۰۰ متر مربع می شده است. به این ترتیب فرش بهارستان، استثنائاً بطور چهار گوش و کاملاً مساوی بافته شده بود (نه مستطیل، نه بیضی و نه دایره ای) از ویژگی های آن فرش بی نظیر و گرانبها که ۲۴ استاد هنرمند به مدت ۸ سال روی آن کار کرده بودند، با تعبیه داربست های متعدد و جدا از یکدیگر، آن را بافتند. پس از اتمام پروژه، قطعات بافته شده را استادان فرش باف در گروه های مختلف با دقت و ظرافت خاص تکمیل کردند. نگاه آن را از داربست به پایین کشیدند و به سالن بزرگ کاخ (همان جایی که از قبل برای آن تعیین شده بود) بردند و بر کف آن گسترده و با دقت و وسواس زیادی قطعات جدابافته را هر یک در جای خود قرار دادند و به یکدیگر متصل کردند. بطوری که پس از تکمیل، فرش بهارستان، دقیقاً یکپارچه به نظر می آید.

### ویژگیهای هنری بهارستان

در متن فرش، خیابانها و نیز کوچه هایی ساخته شده بود. جدول های آب تعبیه شده و نهرهایی از میان باغستانی خرم می گذشته که کشتزارهایی سبز و باغچه هایی پر میوه آن را فرا گرفته بودند. شاخ و برگ درختان همه از زر و سیم ناب و گوهرهای رنگارنگ و متناسب با فصل بهار ساخته (یا بهتر است گفته شود بافته شده بود) فرش «بهارستان» یکی از شاهکارهای صنعت و فرش بافی جهان و از دید ابتکار و نوآوری، به ویژه نمایش آن همه زیبایی های استثنایی طبیعت، در تاریخ هنر نه کم مانند بلکه بی مانند بوده است.

ارزش و اهمیت فرش بهارستان از دید هنری طبیعی و زنده نمایاندن منظره ی بهار بوده است و به یک سخن گویی بیننده یک تابلوی بزرگ طبیعت را با چشم و دل می نگرد. فرش بی بها و بی جانترین بهارستان در فصل زمستان بهار را در برابر پادشاه می نمایانده است.

هنگامی که عرب ها به ایران تاختند، در برابر شکوه و عظمت کاخ ها، بافت شهرها و دهکده ها، خیابانهای ردیف و منظم و مشاهده درختان سرسبز و خرم، باغستانها و بلاخره نظم و ترتیب عمومی ایرانیه و شکل زندگی آنان، غرق شگفتی شدند و سخت احساس حقارت کردند. افزون بر آن، دیدن رودخانه ها و کوهستانها، وفور نعمت، کشتزارهای بیشمار و بالاخره آن همه رسایی های طبیعت دچار شک و حسرت شدند. بروز حالت های نامساعد روحی، که علمای روانشناسی به آن «عقده حقارت» می گویند در کسانی ظهور می کند و گرد اعمال نامردمی و خشونت می گردند که اقدام به ویران کردن کاخ های دژآسا، از بین بردن آن همه آثار ارزشمند تاریخی و هنری، به آتش کشیدن کتابهای علمی، فرهنگی، پزشکی، معماری، صنعتی و سایر رشته ها، که در حقیقت متعلق به تمدن بشری بوده است. مولود همان عقده های روحی و نارسایی ذهنی و نژادی بوده است. وگرنه چرا باید همه چیز در آتش بیداد سوزانده شود و علم و دانش تبدیل به خاکستر گردد؟ و چرا باید گورستانها را به آتش بکشند؟! معلوم نبود شوزاندن اجساد ی که فاقد قوه ی دفاعی بودند با چه منطقی تطبیق می کرده است؟!

### و اینک به کوتاهی از «تیسفون» بگوییم.

«تیسفون» یا «تیسپون» نام قدیمی کاخ پادشاهان ساسانی بوده است که شامل هفت شهر آباد و نزدیک به هم بوده است. آن مجموعه را به زمان پهلوی، «شهرستانان» (Shahristanan) می گفته اند. سریانی ها آن را «ماحوزه ملکا» (یعنی شهرهای شاهنشاه) می نامیدند و عرب ها، پس از شکست ایرانیه، به آن «مداین» نام دادند. «مداین» جمع مدینه و به معنی عام شهر است. ویرانی های طاق کسری (که به نام مداین نیز مشهور است) و بزرگترین شهرهای مداین بوده است که در کنار «دجله» که نام اصلی اش «اروند» بوده قرار داشته است. چنانچه حکیم بزرگ طوس می فرماید:

اگر پهلوانی (زبان پهلوی) ندانی زبان  
به تازی تو «اروند» را دجله خوان

### فرش بهارستان از آغاز تا انجام

فرش بهارستان، که نام دیگرش «فرش بهار خسرو» بوده، در تالار بزرگ یکی از کاخهای سلطنتی «تیسفون» مفروش بوده است. «بلعمی» می نویسد: «فرش بهارستان» یا فرش بهار خسرو را «فرش زمستانی» نیز می نامیدند. و «بلعمی» که

## بیستون

### در رده آثار باستانی دنیا قرار گرفت

به کوشش شهروزش

که جزو آثار باستانی دنیا به حساب آمده است به ۸ بنا می رسد. آثار باستانی دیگری که قبلاً جزو لیست جهانی قرار گرفته است عبارتند از: چوقلا زنبیل در خوزستان که در سال ۱۹۷۹ به ثبت رسید. تخت جمشید در سال ۱۹۷۹، پاسارگاد در سال ۲۰۰۴ در استان فارس، میدان نقش جهان در اصفهان در سال ۱۹۷۹، تحت سلیمان در آذربایجان غربی در سال ۲۰۰۳، بم و بناهای تاریخی آن در کرمان در سال ۲۰۰۴ و گنبد سلطانیه در زنجان در سال ۲۰۰۵. اعضای یونسکو با رای موافق بنای بی ستون را به عنوان یکی از آثار تاریخی جهان بشریت در سی مین نشست خود در لوتانیا در روز ۱۴ جولای به تصویب رسانید. این رای با توافق اساتید آثار باستانی ایرانی که متوجه منافع پشتیبانی جهانی از این آثار باستانی بودند انجام گرفت.

در ماه جولای یونسکو بیستون، یکی دیگر از بناهای تاریخی ایران را به لیست آثار باستانی دنیا اضافه کرد.

در ۱۹ مایلی شمال شرقی شهر کرمانشاه کوه های بی ستون سالهاست به عنوان یکی از بناهای تاریخی منحصر بفرد قرار دارد. با بقایایی که به دوره پیش از تاریخ تا زمان مادیان، آکادمیان و ساسانیان و ایلخانیان می رسد. بعضی بی ستون را موزه زنده تمدن ایران می دانند.

بی ستون احتمالاً بخاطر کنده کاری ها و نوشته هایی که به دستور داریوش بزرگ در ۵۲۲ سال قبل از میلاد مسیح در روی آن نقش بسته شناخته شده است. دوازده هزار خط از این نوشته ها جنگ داریوش را در این منطقه تعریف می کند که به ۳ زبان آن دوره بابلی، ایلامی و مهمتر از همه پارسی قدیم نوشته شده است.

با این اقدام یونسکو تعداد بناهای تاریخی ایران



### گروه جوانان مرکز زرتشتیان برنامه های گوناگونی برای شما فراهم آورده اند.

- برنامه های هفتگی مانند شبهای فیلم هر جمعه ساعت ۸ شب
  - Hiking برنامه های ماهیانه گردش، ورزشی تفریحی
  - Halloween costume party برنامه هایی چون (امسال هالوین پارتی در روز ۲۸ اکتبر برگزار میشود)
  - جلسات گفت و شنود و بررسی موضوعات مورد علاقه شما
  - برای آگاهی از برنامه های گروه جوانان سایت <http://www.yczc.com>
- را ببینید.

گروه جوانان برای اینکه بتواند هر چه بیشتر برنامه های دلخواه شما را اجرا کند، به پیشنهادات و پشتیبانی فکری شما دوستان نیازمند است.

خواهشمندیم پیشنهادات خود را به [yczc@czc.org](mailto:yczc@czc.org) بفرستید

## شاد باش

جشن مهرگان، جشن مهر و دوستی، جشن آشتی و پیروزی، جشن شادی و زندگی، جشن همبستگی و پیوستگی را به همه بویژه هم میهنان گرامی و همکیشان ارجمند شاد باش گفته و شادی و سربلندی را برای همگان خواستاریم.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



دکتر زرنشت آزادی

## زبان پارسی - زبان ایرانی

خوبان پارسی گو بخشنندگان عمرند  
برخیز و مژده ای ده زندان پارسا را  
«حافظ شیرازی»

در شماره پیش این ماهنامه در باره ی دشمن یاری نوشتیم و خوانندگان را از اینکه در زبان پارسی واژه های عربی بکار ببرند پرهیز دادم. اکنون در باره ی زبان پارسی و پرورش و گسترش آن می نویسم و پس از آن به آلوده شدن زبان پارسی به واژه های عربی و انگیزه های آن خواهم پرداخت.

زبان فرهنگ ایران نامش زبان پارسی است. اینکه چرا این زبان زبان ایرانی نامیده نشده و زبان پارسی نامیده شده چند انگیزه (علت) داشته است. یکمین انگیزه اینکه زنجیره ی پادشاهان هخامنشی که از نخستین پادشاهانی بودند که کشور ایران را در جهان بزرگ و خوش نام و نامور ساختند از استان پارس برخاستند. چون هخامنشیان از استان پارس بودند کشورشان بنام پارس، خودشان بنام پارسیان، زبانشان بنام پارسی و مردمشان نیز بنام پارسی یا پارسا (کسی که از پارس می آید) در جهان شناخته شدند.

دومین انگیزه اینکه پادشاهان ساسانی که گروه دیگری از پادشاهان آبادگر و گسترنده ی ایران بودند نیز از استان پارس برخاستند. سومین انگیزه اینکه استان پارس به ویژه شهر شیراز سرایندگان و نویسندگانی داشت که به زبان پارسی سرودند و نوشتند و آن نوشته ها را به نام پارسی شناسانیدند. با این انگیزه ها بود که نام زبان پارسی جا افتاد و نزد همگان پذیرفته شد.

زبان پارسی زبان دری یا زبان پارسی دری هم نامیده شده و انگیزه اش ناروشن است. حمزه ی سپاهانی (اصفهانی) یکی از تاریخ نویسان سده های گذشته گزارش داده است که پیش از آفند (حمله) تازیان، سه زبان پهلوی، پارسی و دری در پایتخت ایران در کار بوده اند. حمزه گفته است که دری به معنی دریاری است و در زبان دری واژه های خاوری ایران به ویژه واژه های مردم بلخ فراوان است.

من باور دارم که زبانهای پهلوی و پارسی و دری سه زبان جدا از هم نبوده بلکه کم و بیش گویش (لهجه) های گوناگون زبان ایرانی بوده و به هم نزدیک بوده اند. این نزدیکی در میان دو زبان پارسی و دری بیشتر بوده از این رو این دو با هم آمیخته و زبان پارسی دری نام گرفته اند. سپس برای کوتاهی برخی از مردم آن را پارسی و برخی دیگر آن را دری گفته اند.

اکنون زبان پارسی و دری با هم یکی هستند و سرایندگان ایرانی هر دو را با یک معنی بکار برده اند. با این همه برخی از مردم زبان پارسی با گویش (لهجه) سرزمین های خاوری مانند تاجیکستان و افغانستان را بنام دری می شناسند. اکنون چند تا سرود (شعر) از سرایندگان نامور ایران که پارسی و دری را با یک معنی بکار برده اند بخوانید:

حافظ شیرازی:

بخوان ای بلبل خوش خوان خوش گو

به شعر پارسی بانک اراکی

کنون که مرغ سخن گو فروشد ای حافظ  
توارج او به سخن گفتن دری بشکن

بهار خراسانی:

در سخنهای دری چابک تر و بهتر زمن  
در همه جای خراسان یک سخن گستر نبود

به این ترانه آن کسی بها دهد

که پارسی شناسد و بهای او

سعدی شیرازی:

هزار بلبل دستناسرای خوش خوان را  
بباید از تو سخن گفتن دری آموخت

فردوسی توسی:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم به این پارسی

زرتشتیان ایرانی اکنون به زبانی دری می گویند که خود با آن گفت و گو می کنند. آن زبان یکی از گویش های زبان پارسی است که به گویش های لری و روستایی نزدیک است و به گمان من آمیخته ای از زبانهای پهلوی و پارسی میانه است. زبان زرتشتیان زبان گفتن است و نه نوشتن. آن را باید در خانه آموخت، آموزشگاهی برای آن نیست.

دگرگونی های تاریخی زبان پارسی

زبان پارسی مانند دیگر زبانها در زندگی خود دگرگونی هایی یافته است. از دیدگاه تاریخی زبان پارسی را در سه نما (شکل) می بینیم. پارسی باستان که نزدیک به سه هزار سال پیش و در زمان هخامنشیان در کار بوده، پارسی میانه که نزدیک به یک هزار و پانصد سال پیش و در زمان ساسانیان در کار بوده و پارسی نوین که پس از آفند تازیان پرورش و گسترش یافته است. اکنون هر یک از اینها را بیشتر میشناسانم.

از پارسی باستان کتابی در دست نداریم وانکه (بلکه) آن را از نوشته های پادشاهان هخامنشی که بر تنه ی کوهها و سنگها بر جای مانده می شناسیم. این نوشته ها بیشتر در تخت جمشید، بغستان (بیستون)، شوش و گنج نامه (همدان) هستند. به نیایشی (دعایی) از داریوش بزرگ، شاهنشاه بزرگ هخامنشی که به زبان پارسی باستان و خط میخی است بنگرید:

نیایش شاهانه در باره ی ایران زمین:

این سرزمین را اهورا مزدا بیایاد: از سپاه دشمن، از خشکالی، از دروغ. بر این سرزمین میایاد: سپاه دشمن، خشکالی، دروغ. داریوش بزرگ ۵۱۲-۴۸۶ پیش از عیسا.

با افتادن هخامنشیان و چیرگی اسکندر گجسته (ملعون) فرهنگ و زبان ایران دچار آشفته گی شد. پس از چندی پارتیان نیرو گرفتند یونانیان را از ایران بیرون راندند و شاهنشاهی پارتیان را بنیاد

نهادند. نام دیگر پارتیان اشکانیان است از این رو که نخستین پادشاه آنان اشک نام داشت. با روی کار آمدن اشکانیان زبان آنان که زبان پارتی یا پارتایی بود زبان یکم ایران یعنی زبان دیوانی (رسمی) شد و زبان پارسی در رده دوم جای گرفت. زبان پارتی یا پارتایی با گذشت زمان زبان پهلوی نامیده شد. همین زبان پهلوی تا زمان ساسانیان نیز پایدار ماند و زبان دیوانی و نوشتنی ایران بود ولی چون در سنجش با زمان اشکانیان دگرگونی های فراوانی یافته بود، زبان اشکانیان پهلوی اشکانی و زبان زمان ساسانیان پهلوی ساسانی نامیده می شود.

زبان پارسی دوره ی اشکانی و ساسانی پارسی میانه نامیده می شود زیرا در سنجش با زمان هخامنشیان، دگرگونی های فراوانی یافته بود. نوشته ای از زبان پارسی میانه در دست نداریم زیرا زبان نوشتن ایران در آن زمان ها تنها زبان پهلوی بود. چنانکه هنگامیکه کتاب رای و برهمن (کلیده و دمنه) را برزوی پزشک از هندوستان آورد خسروانشیروان فرمان داد که آن را به زبان پهلوی بنویسند و چنین کردند. فردوسی در این

باره در شاهنامه آورده است:

نوشت او بر آن نامه ی خسروی

نمود آن زمان خط بجز پهلوی

به هنگام آفند تازیان در سال ۶۳۲ ترسایی (میلادی) زبان پهلوی زبان دیوانی و نوشتنی ایران و زبان پارسی زبان دوم و زبان گفت و گو بود. تازیان که با همه ی توان به نابودی فرهنگ و زبان و شهرگانی (تمدن) ایرانی برخاسته بودند زبان پهلوی را زیر فشار گذاشتند، کم توان کردند و کم کم از پهنه بیرون راندند. چون چنین شد ایرانیان به زبان دوم خود که زبان پارسی بود پرداختند و آن را پرورش دادند و جانشین زبان پهلوی کردند. این زبان، پارسی نوین نامیده شد که چگونگی پیدایش و گسترش آن و آلود شدنش را به زبان عربی در شماره آینده خواهم نوشت.

مهر و نکویی پیروز گر باد  
امرداد ۳۷۴۴ کالیفرنیا

برای دریافت کتاب

واژه های پارسی برای پارسی زبانان

نوشته ی دکتر زرتشت آزادی

به تلفن ۹۶۰۶-۵۷۲-۷۱۴ زنگ بزنید و یا به نشانی زیر نامه بنویسید.

P.O. Box 1285, Placentia, CA 92871

**رستوران حاتم**  
در مکانی گرم و خانوادگی  
با کیفیت عالی  
با خوراکی های خوشمزه ایرانی  
سفارشات غذا برای میهمانی ها و مجالس شما  
با بهترین قیمت  
**HATAM RESTAURANT**  
1112 N. BROOKHURST #6  
ANAHEIM, CA 92801  
(714) 991-6262

از تمامی دوستان و آشنایانی که در اندوه از دست دادن مادرم روانشاد «مروارید جمشید پور شریف آباد» با من همدردی کردند صمیمانه سپاسگزاری می کنم.

با آرزوی شاد زیوی و دیر زیوی برای همگان

رستم شیرمردیان



# دکتر شاپور شهبازی در گذشت

گزارش از دکتر پرویز کوبایی

روز ۱۵ جولای ۲۰۰۶ ترسای پرفسور شاپور شهبازی ایران شناس سرشناس و پژوهشگر فرهیخته درگذشت.



او یکی از نامورترین کارشناسان تاریخ ایران پیش از اسلام بود و بدون گفتن نام او نمیتوان در باره ی تاریخ دوران هخامنشیان - پارتیان و ساسانیان سخن گفت. دکتر شهبازی دانشنامه و دکترای خود را از دانشگاه لندن دریافت کرد و بنیانگذار بنگاه پژوهش هخامنشیان و تخت جمشید بود و تا سال ۱۹۷۹ ترسای آن راهبری نمود. در سالهایی که گذشت دکتر شهبازی

استاد دانشگاههای شیراز - تهران - گوتینگن - هاروارد - کلمبیا و اورگون شرقی بوده است. سازمان تازه بنیاد پژوهشی پارسا - پارسارگاد او را برای رایزنی برگزیده بود.

دانش دکتر شهبازی تنها در باره ایران باستان و آسیا نبود، بلکه او در تاریخ باستان شناسی، هنر، دین و ادب کارشناسی سرشناس بود. او همواره دانش خود را با دیگران در میان می گذاشت و به جهانیان یاری می داد که از دیدهای گوناگون به تاریخ بنگرند.

دکتر شهبازی همواره مورد مهر و سپاس دانش آموختگان و دانشجویان خود بود و عشق و علاقه آنها به وی بی پایان بود.

سازمانهای جهانی همچون سازمان ملل، یونسکو و دیگر انجمن های جهانی همواره از او رایزنی می خواستند.

دکتر شهبازی به سه مهم بیش از همه مهر می ورزید: خانواده اش، میهن خود و کارهای پژوهشی خویش. او براسستی انسانی راستین بود. نوشتارهای بجای مانده او در برگیرنده ۱۷ کتاب و ۱۵۰ نوشتار می باشد که از آن میان میتوان از سنگ نبشته های ایران باستان در تخته های

سنگی تخت جمشید چاپ لندن (۱۹۸۵) نام برد. کتابهای خوب دیگری که برای همگان نوشته شده یکی راهنمای دیدار از تخت جمشید (تهران ۲۰۰۴) و نوشتار «ایرانیها و الکساندر» در ماهنامه ی امریکایی تاریخ باستان (۲۰۰۳) می باشد. افزون بر آن استاد شهبازی بیش از ۴۵ نوشتار در دانشنامه Encyclopedia Iranica که خود با فرنام دستیار دبیر خدمت می کرد نوشته است. مراسم یاد بود دکتر شاپور شهبازی در روز ۲۳ جولای ۲۰۰۶ در سالن بزرگ تاتر مکنزی دانشگاه اورگان خاوری برگزار گردید.

او به هنگام مرگ در تدارک کتابی در باره پادشاهان ساسانی بود که این کتاب از سوی بازماندگان وی تا چندی دیگر چاپ و پخش

خواهد گردید. به پاس کوشش ها و خدماتی که دکتر شاپور شهبازی در پژوهش هایش در مورد ایران باستان و دین زرتشتی انجام داد، جامعه زرتشتیان جهانی همواره او را گرامی می دارند. به پاس عشق وی به ایران زمین و مهر او به باستان شناسی و تاریخ ایران باستان خانواده او وی را در حافظیه شیراز به خاک سپردند. بازماندگان او همسرش و دختر او رودابه می باشند.

## روانش شاد و فروهرش پاینده باد



## شب چله ( یلدا )

نوشته ی : دکتر ناصر انقطاع  
برگرفته از کتاب جشنهای ایرانی

پدران ما بر آن بودند که «شب چله» (یلدا) با خورشید و «مهر» پیوندی نزدیک دارد و در فرهنگ آریایی شب چله را شب زایش مهر (میترا) نیز می دانستند و مهر را مسیح (رهایی بخش) جهان از چیرگی تاریکی ها دانسته و برای آن ارج و ارزش پیامبری قایل بودند. از این روی ، و با نگرش به این باور، بر آن بودند که بامداد روز یکم دی، هر روز، اندکی بر درازای روزها که زمان فرمانروایی خورشید بر پهنه گیتی است افزوده می شود (زیرا خورشید را نماد و نشانه ی «مهر» می دانستند). و چون هر روز درازتر از روز پیش می شد، پس دوران فرمانروایی خورشید بر جهان درازتر و بیشتر می شده است.

برگزاری آیین های روا در شب چله را ، که در میان تیره های گوناگون ایرانی بسیار زیبا برگزار می شود، به برخی از آنها که در همه جا یکسان انجام می شود می پردازیم و ان ها بدینگونه اند:

گرد هم آمدن هموندان خانواده، گستردن خوان میوه و آجیل و خشکبار ( مانند: انار، سیب، انگور، هندوانه، خربزه، بادام، فندق، پسته، هلو، و زردآلوی خشک و...) گرفتن فال از کتاب حافظ، خواندن شاهنامه فردوسی و گوش دادن به نوای موسیقی تا پاسی از نیم شب گذشته.

«یلدا» به زبان سریانی (که در سوریه کهن روا بوده) معنای «زایش» (تولد) را می داده. همین واژه به زبان سامی (تازی و عبری) رفته و از آن شاخه های «وَلَد، وِلادَت، مولود، تولد، موالید، اولاد، تولد، وِلید و...» ساخته شده است.

ایرانیان نخستین شب زمستان هر سال را که درازترین و سیاهترین شب سال است را جشن می گیرند و به آن «شب چله» (شب یلدا) می گویند. انگیزه آن که این شب را «شب چله» می نامند آن است که ایرانیان کهن دو ماه دی و بهمن را سخت ترین ماههای سال، از دیدگاه سردی هوا، می دانستند و آن را به دو بخش می کردند. چهل روز نخست ( که چله بزرگ نام داشت) و بیست روز پس از آن ( که چله کوچک) می نامیدند.

چله بزرگ از یکم دی ماه آغاز می شد و در شب دهم بهمن پایان می گرفت. پدران ما بر آن بودند که با پایان یافتن چله بزرگ براسستی کمر زمستان شکسته است و به همین انگیزه جشن شده ( جشن آتش) را در روز دهم بهمن برپا می داشتند.

سپس از دهم بهمن تا یکم اسفند را «چله کوچک» می گفتند و بر آن بودند که در آغاز اسفند دیگر زمستان از نیرو و توان خود افتاده است و باید آماده ی پیشباز از بهار بود.

## سپاس و ارج گذاری

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا امسال نیز برای تشویق دانش آموختگان زرتشتی مراسمی را در سالروز درگذشت روانشاد ارباب رستم گیو در تاریخ شنبه ۷ اکتبر ساعت ۵ پسین برگزار می نماید.

از تمام دانش آموختگان زرتشتی که در هر رشته به پیروزی چشمگیری نایل آمده و تمام دانش آموختگان امسال دانشگاه ها و تمام دانش آموزانی که نمرات آنها A بوده و یا در منطقه و حوزه تحصیلی خود به پیروزی برتری در هر زمینه رسیده اند خواهشمند است مدارک یا ریز نمرات خود را به دفتر مرکز تا تاریخ ۳۰ سپتامبر ارسال نمایند.

لازم به یادآوری است که نام دهشمندانی که در این زمینه ما را همیاری مالی نمایند در سپاس نامه ای که به دانش آموزان داده می شود نوشته خواهد شد.

## آموزش سنتور

توسط همکیش گرامی

## اشکان فارسی نژاد

جهت آگاهی بیشتر با دفتر مرکز زرتشتیان با تلفن

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

تماس بگیرید



# مهر، میترا، مهرگان

شده خداوندی

«مهر را می ستاییم، نخستین فروغی که پیش از برآمدن خورشید از کوه برآید، نخستین ایزدی که با زیورهای زرین آراسته و دلکش از فراز کوه سر بر درآورد و آنجا تمام سرزمین های جهان را بیابد.» (مهریشت)

در خیلی پیش از زمان، از گودترین و تاریک ترین جای تاریخ، از زمانی که آریایی ها به ایران زمین آمدند از آن زمان که رویدادهای تاریخی در پشت مه تیره ای پنهان و تنها سایه شان نمایان بود؛ ایرانیان مهر و ناهید را ستایش می کردند و پیرو آیین مهر بودند.

در اوستا مهر بزرگترین ایزدان است و بر مقدمه مهریشت آمده که اهورا مزداوی را در بزرگی و شکوه و توانایی همقدر و همسنگ خود آفرید. نام این ایزد در سانسکریت Mitra و در اوستا Mithra و در پهلوی Mitra آمده است. تنها ویژگی انسانی که در میترا وجود دارد عقل است که به شایستگی در اوستا. میترا دارنده خوی جنگاوری و پرخاشجویی است. همیشه آماده نبرد و کمک به یارانی است که در راه نیک مبارزه می کنند و تا آن ها را به پیروزی نرساند از پای نمی نشیند.

از پیدایش کیش مهری زمان درستی در دست نداریم. اروپاییان را گمان بر این است که کیش مهر پیرامون سده نخست میلادی در اروپا روا گشت و پس از صد سده با پیروزی مسیح از میان رفت... اما آنان نیز باور دارند که این آیین ایرانی پیش از آن نیز در ایران روا بوده است. چون در یشت ها بخشی به مهر ویژه شده است؛ پس می بایست پذیرفت مهر در ایران شناخته می شده است.

نگرش به شیوه نگارش یشت ها نشان می دهد که زمان نوشتن آن پس از زرتشت بوده است و نیز سنجش گفتارهایی که در دفتر آمده است با آنچه زرتشت در گاتاها سروده با روشن می دارد که این دو دفتر از یک نویسنده و یک روان اندیشه نیست و در بسیاری از سروده های این یک دگرگونی و جدایی آشکار با شیوه اندیشه او به چشم می خورد. این دفتر با آنکه پس از اشو زرتشت نوشته شده است ریشه در زمان پیش از او دارد؛ و اگر زمان زرتشت را پیرامون سه تا سه هزار و دو صد سال پیش از این بشماریم ستایش مهر تا پیشتر از سه هزار و دو صد سال پیش در ایران رواج داشته است (که برابر با یک هزار و دو صد سال پیش از زایش مسیح بوده است). در سنگ نگاره ای که در بخش باختری ایران بزرگ و ترکیه امروز- در جایی که اکنون بنام «بغازکوی» خوانده می شود- یافته شده است، در پیمانی که میان دو گروه هم نبرد بسته شده است نام «میترا» به همراه «وارونا» و «نستید» و «اندرا» ایزدان کیش کهن آریایی آمده است، و چون زمان تراشیدن این نگاره ها سه هزار و چهار صد سال (یکهزار و چهار سال پیش از زایش مسیح) است پس در آن زمان نیز در ایران و بخشهای مرزی و برون مرزی ایران شناخته و ستایش می شده است. آنچه اهمیت دارد میترا به عنوان خداوند کهن آریایی، ایرانی و هند جای دارد و روز مهر که دهمین روز است از ماه مهر به او اختصاص دارد. مهر نماد پیمان، دوستی، مهرورزی و توانایی است. و همچنین نشان و نماینده پیمان و یگانگی و همبستگی ایرانیان بوده است. مهر در اوستا به

# جشن تیرگان

آرویس رشیدی

گردید از آن جمله مسابقه هندوانه خوری با شرکت گروهی از نوجوانان و جوانان با احراز جوایزی نیز به شادی این جمع افزون کرد. بعد از آن مسابقات دیگری اجرا گردید که سراسر شادی و هیجان را در بر داشت. در تمامی اجرای مراسم پاشیدن آب به یکدیگر و شور و هیاهوی خاصی را به یادها نهاد. در این وقت آقای آرمان آریانه روایت جشن تیرگان و نحوه

استوار می مانیم تا، پیرو دین بهی و فرمانبر یکتا اهوراییم.

هر ساله شکوه و عظمت جشنهای ایرانی چشمگیر و بهدینان را از اطراف دنیا گرد هم فرا میخواند. چه بسا سنت ها و جشنهای ملی، سایر ادیان را نیز در شادیهایمان شریک نموده است.



عکس از: ماندانا پیشدادی

برپایی آن در دوران پیشین را به زبان انگلیسی با فصاحت و شیوه ای روان و دلنشین پذیرای مهمانان برنامه کرد که مورد توجه جمع نیز قرار گرفت.

در نیمه روز همگی جهت صرف نهار به یکدیگر پیوستند و از دست پخت های یکدیگر بهره گرفتند و با گفتگو و شادی ساعتی را در کنار هم گذراندند. سپس مرتبه ای دیگر سنت ترانه خوانی به شیوه ای مردمی بنام چک و دوله (Check-o-Doule) نیز برگزار شد که مورد توجه حاضرین قرار گرفت. در این زمان همگی برای رقصیدن و خواندن ترانه و همچنین هم خوانی تا پایان پنهان شدن خورشید از نظرها ادامه یافت. ضمن اینکه در خلال فرصت ها پاشیدن آب را نیز به غنیمت می گرفتند. و با یادی دلنشین در ذهن دوستان باقی ماند.

بشود چنین روزهایی را مکرر یادآور شویم که سراسر شادی و جشن ها که یادآور پیروزیها و شادی های روزافزون ما مردم خوب روزگار گردد.

ایدون باد ، ایدون ترح باد

اینگونه گردهمایی ها دلیلی برای جذب دوستی ها و تداوم یکدلی و یکرنگی تمام افراد بوده است و به امید آنکه چنین مراسمی را هر سال پر بارتر و غنی تر برپا داریم.

چنین روایت است که در روز تیر از ماه تیر از دیر باز جشن تیرگان یا آبریزان را با پاشیدن آب به همدیگر، در گرمای تابستان خنکی و طراوت را به ارمغان آورده و گویند آرش کمانگیر بعد از جنگ ایران و توران با پرتاب تیر خود مرز بین ایران و توران را تعیین نموده است. بنابراین هر ساله بدین مناسبت به پایکوبی و شادی نیز می پرداختند. امسال هم شاهد برگزاری این جشن بودیم. ضمن اینکه بهدینان دست اندر کار، از اوقات پر ارزش خود ما را در این شادی شریک نمودند.

برنامه در ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه ۲۵ تیرماه برابر با ۱۶ جولای ۲۰۰۶ در شهر اروین و در پارک میسون (Mason) آغاز گردید که ابتدای آن با یاد و نام اهورای دانا و سپس با هم سرایی نوباوگان شهر Claremont با ترنم سرود به مناسبت جشن تیرگان ادامه یافت. مسابقات تفریحی نیز همراه با جوایزی برگزار



عکس از: ماندانا پیشدادی

مهرگان به جز میترا و اهمیت آن باورهای دیگری دارد که برگزار می شود؛ از جمله این باورها به پا خواهی کاوه آهنگر در برابر بیدادگری های ضحاک؛ آسوده بالی کشاورزان از ستیزه با طبیعت؛ و آسودگی شاهان از جنگ با دشمنان و آغاز نیمه دوم سال است. جشن مهرگان کم و بیش با همان مراسم، امروزه برگزار می شود و اهمیت آن چیزی کم تر از نوروز نیست.

زمان مهرگان از مهر روز تا رام روز مهر بود که روز آغاز جشن، مهرگان همگانی و روز پایانی جشن، مهرگان ویژه خوانده می شد. مراسم ویژه مهرگان از این قرار بود که چند روز به جشن خانه تکانی کرده، لباس نو می پوشند، سفره مهرگان «ودرین» می گسترانند؛ بر سر سفره ترنج، شکر، عناب، سیب، خوشه ای از انگور سفید، هفت شاخه از هفت گیاه، نان گرد کوچک از آرد حبوبات، اوستا، آینه، لُرک، انار، شیر، شربت، شیرینی، سبزی و میوه، چند سکه در آب می گذارند و با آویشن و گلهای رنگارنگ آن را تزیین می کنند، اسفند و عود و کندر را در آتش می سوزانند. در مهرگان همگانی موبد موبدان کنار و درین می نشیند و خوراکها را سپاس می گوید. پس از آن نیایش خورشید و مهر نیایش خوانده می شده است.

خوراکهای دیگری که بر و درین مهرگان ویژه گذاشته می شد از جمله: آتش، حلوا، سیرک، سیر و سراب، چنگمال و کماج است که در بین یزد و کرمان متفاوت است. افراد خانواده گرداگرد سفره جمع می شوند، چون خورشید به وسط آسمان رسید و هاونگاه به رپیتون گاه بدل گشت به شادی می پرداختند، نیایش می کردند و به یکدیگر شادباش می گفتند.

«بشود که مهر به یاری ما آید، برای گشایش کار ما آید، برای دست گیری ما آید، برای دل سوزی ما آید، برای چاره درد ما آید، برای پیروزی ما آید، برای خوشبختی و دادگری به سوی ما آید.» (مهریشت)

مهرگان خجسته - با شادباش



## کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی

از تاریخ آدینه ۲۹ جون تا دوم جولای ۲۰۰۷ کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی در شهر تورنتوی کانادا برگزار می گردد. تعداد زیادی از سخنوران و پژوهشگران از سرتاسر آمریکای شمالی و دیگر نقاط جهان در این کنگره شرکت خواهد داشت. در این کنگره تلاش شده است تا در دو بخش اصلی بزرگسالان و جوانان برنامه ریزی و فعالیت های گوناگون در آن باشد. برای آگاهی های بیشتر با پست الکترونیکی زیر تماس حاصل بفرمایید.

Zoroastrian-congress@hotmail.com  
www.fezana.org

## میراث فرهنگی

برگرفته از پیام کنکاش - نوشته آرش ضیا تبری

فرهنگ و تمدن ایران زمین بی نام زرتشت در هیچ جای تاریخ معنایی نخواهد داشت و میراث فرهنگی به جا مانده از اهورایی ترین کلام زرتشت، در دل هم ما زرتشتیان ریشه دارد، باشد که همواره با «هومت»، «هومت» و «هورشت» به شایستگی میراث دار این فرهنگ بزرگ آریایی باشیم. بزرگمرد ایران زمین، کورش بزرگ، حقوق بشر و آزادی گزینش راه زندگی را برای هر انسان به رسمیت شمرد و یادگار منشور کورش، افتخار ما ایرانیان بین جهانیان است که حاکی از هوشمندی پادشاه ایران زمین در راه اشا و اندرزه های اشوزرتشت است. در فرمان داریوش که مایه بالندگی ما به فرهنگ کهنمان می باشد، سراسر از راستی و دستگیری از ناتوان و آزادی در اندیشه و عمل سخن به میان رفته است. احترام به خاک، هوا، آب و آتش سر لوحه دیگری از این میراث است. جامعه زرتشتی به خود می بالد که پیامبرش نخستین و بزرگترین معمار فرهنگ بشری است.

من این جان و تن هر دورا می دهم و از دین خود لحظه ای نگذرم  
که ایران بود مهد و زرتشت پیغمبرم همین بس که میراث این دین و آیین برم

## آغاز به کار کوشک ورجاوند گیلان

برگرفته از پیام کنکاش

زمینی به اندازه بیش از دو هکتار توسط پرویز ورجاوند در کنار دریای خزر به انجمن زرتشتیان کرج واگذار شده بود. حدود سه سال پیش با بودن نمایندگانی از انجمن های سراسر کشور پس از سرایش اوستا به نام یادمان شهدای زرتشتی نامگذاری شد. با نخستین ردیف بودجه به مبلغ ۳۸ میلیون تومان که به وسیله نماینده زرتشتیان در اختیار انجمن زرتشتیان کرج قرار گرفت. بخشی از این مکان به صورت پلاژهایی با امکانات مناسب درآمده تا در اختیار همکیشان قرار گیرد. کوشک ورجاوند گیلان که آماده پذیرایی و اسکان نزدیک به ۸۰ نفر را دارد در بامداد روز آدینه، بیستم امرداد ماه و با حضور نماینده زرتشتیان ایران و اعضای انجمن زرتشتیان کرج و دیگری نهادها افتتاح خواهد شد.

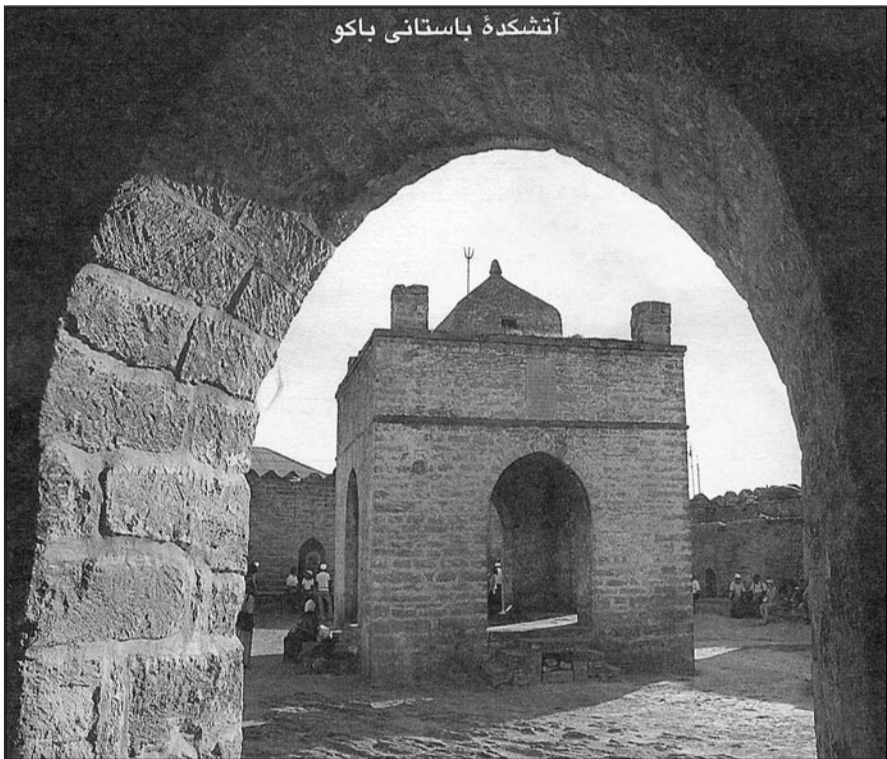


## دیدار از آتشکده باکو

از موبد کورش نیکنام

از آن به دیر مغنم عزیز می دارند که آتشی که نمیرد همیشه، دردل ماست (حافظ)

سال ها پیش عکسی از آتشکده همیشه روشن باکو، کشور آذربایجان، در محل آتش ورهرام ایزد به دیوار آویخته شده بود و توجه هر بیننده یی را به خود می گرفت، باور نمی کردیم که روزی در کنار آن به نیایش پردازیم، اکنون چه زیبا و با شکوه بود ترنم نوای موبدان در کنار چارتاقی این آتشکده با سرایش اوستای آفرینگان به یاد هماروانان و فروهر نیاکان که با همکاری موبد کیخسرو مزدیسنی، کورش نیکنام و مهربان پولادی انجام شد. در سفری که با گروهی از همکیشان و نمایندگانی از انجمن موبدان تهران، انجمن زرتشتیان تهران، انجمن کرج و اهواز و دیگر نهادها به آذربایجان انجام شد، دیدار و نیایشی در این آتشگاه داشتیم. این چارتاقی هم اکنون پا برجا بر تاریخ پر ماجرای گذشته خود در فرهنگ و تاریخ مردم باکو، همچنان آتشکده نام دارد و مرکزی است برای بازدید جهانگردان و یادآوری آتشی که پیوسته در دل خداجویان راستین همیشه روشن و گرمابخش است.



## برنامه های آینده

- شنبه ۳۰ سپتامبر جشن فرخنده مهرگان از ساعت ۵ پسین
- شنبه ۱۷ اکتبر سالروز درگذشت ارباب رستم گیو و گهنبار چهره ایاسرمگاه (آغاز پاییز) و مراسم جشن دانش آموختگان ممتاز زرتشتی و مراسم بزرگداشت استاد پور داود. آغاز مراسم ساعت ۵ پسین
- شنبه ۷ و یکشنبه ۱۸ اکتبر برگزاری نمایشگاه هنری همکیشان
- یکشنبه ۱۵ اکتبر نشست همگانی ساعت ۵ پسین
- جشن دیگان و شب یلدا (تاریخ آن را بزودی به آگاهی میسرانیم)
- سه شنبه ۲۶ دسامبر درگذشت اشوزرتشت. آغاز برنامه ۴ پسین
- شب سال نو مسیحی. (تاریخ آن بزودی به آگاهی همگان خواهد رسید).



### کار و کوشش

یکی از کاراترین ابزارها برای آبادانی و پیشرفت که خوشبختی انسان را به همراه دارد کار و کوشش است. چنان که در پیش گفته شد ایستایی و سکون از دیدگاه آیین زرتشت ناپسند است. بنابراین اشو زرتشت از همگان خواستار است که در راستای پیروی از قانون اشا و به یاری منش نیک در اندازه توان خود برای پیشرفت و آسایش در زمان خویش تلاش کنند و از تنبلی و کاهلی و سستی پرهیز کنند.

### شادمانی و خوشبختی

دین زرتشت آیین شادمانگی است. از این رو ما زرتشتیان شاد بودن و خوش زیستن را برگزیده ایم و از سوگ و اندوه و افسردگی دوری می کنیم. در آیین زرتشت جشن و سرور یکی از راه های ستایش خداوند و نزدیک شدن به اوست زیرا در پرتو شادی است که تن انسان نیرومند و روان او شاد گشته، در نتیجه شوق به کار و کوشش در او افزونی می یابد.

### هوده های انسانی (حقوق بشر)

در آیین زرتشت انسان ها از هر نژاد و تبار و با هر زبان و رنگ پوست و دین و باور از حقوقی برابر برخوردارند. فزون خواهی دینی، تباری و نژادی در این آیین نیست. اشو زرتشت تنها سازه و ابزار برتری را پایبندی به قانون اشا و پیروی از اندیشه و گفتار و کردار می داند.

### پاکیزه نگاهداری آخشیج ها (حفظ محیط زیست)

در راستای قانون اشا، انسان در برابر جهان هستی و آن چه روی می دهد پاسخگو است و باید از ویرانی آفریده های مادی و مینوی جهان هستی پرهیزد. یکی از نمودهای اندیشه ی نیک در این آیین که بر آن بسیار سفارش شده «حفظ محیط زیست» و چهار آخشیج پاک کننده است.

### اوستای کنونی و بخش های آن

اوستای کنونی دارای ۵ دفتر می باشد و ارزشمندترین بخش آن «گاتها»، سرودهای اشوزرتشت می باشد که در نخستین دفتر اوستا، که «یسنا» نامیده می شود جای دارد. گاتها از کهن ترین بخش های اوستاست و نشان دهنده ی اندیشه و گفتار و کردار اشو زرتشت است که باید برای همه آرمان گردد زیرا نمونه ای از آیین زندگانی نیک می باشد که خداوند دانا برای نگهداری جهان راستی و درستی و پاکی ارزانی داشته است.

## گزیده ی پیام های اشو زرتشت

به کوشش موبد کامران جمشیدی

### آشتی و دوستی

درست در زمانی که ملت های دیگر جنگ و غارت را کاری شایسته دانسته و ریختن خون انسن ها را کاری روزمره می شمردند اشو زرتشت پیشرفت و شهرگیری را در سایه ی آرامش و آشتی دانسته است. گاتها، هات ۳۲ بند ۴ در نکوهش پیروان جنگ می گوید: «از زمانی که شما بر آن شدید تا به مردمان گزند رسانید از اراده ی اهورامزدا گریزان و از آیین راستی دور شدید.» در هات ۳۲ بند ۱۱ نیز آمده است: «کسی که زندگی را تباہ می سازد ما او را از پیروان بداندیشان و بدکرداران می شماریم.»

### آزادی اندیشه و گزینش

در زمانی که شاید آزادی اندیشه و گزینش راه در همبودگاه های انسانی ناآشنا بود، اشو زرتشت همه انسان ها را در گزینش راه زندگی و پیروی از نیکی یا بدی برابر و آزاد می داند چنان که در گاهان آمده است: «ای مردان و زنانی که برای شنیدن گفتارم گرد آمده اید به سخنان مهین گوش فرا دهید، با اندیشه روشن در آنها بنگرید سپس از میان این دو راه یکی را برگزینید.»

### یگانه شناسی

بنمایه پیام زرتشت، آموزش یگانه شناسی است. در باورهای پیش زرتشتی مانند برهمایی، یگانه شناسی وجود نداشت و برای هر یک از نمودهای سپهر (طبیعت) و چه بسا فروزگان مینوی، باورمند به خدایان جداگانه بودند که در بین آنها سه خدای «آفریننده»، «پرورنده» و «نابود کننده یا مرگ» برترین جایگاه را در بین خدایان داشتند. اما بزرگ مرد راستی، اشو زرتشت، به جهانیان ندا داد که اهورامزدا را به یگانگی بشناسید و او را ستایش کنید زیرا او «ایک تن» و در همزمان «داتاچه»، «سراتاچه» و «باتاچه» یعنی دهنده و نگهدارنده و میراننده همه چیز است. در اندیشه و پیام اشو زرتشت اهورامزدا خدای یگانه ی هستی بخش است؛ اهورا مزدا دانای بزرگی است که انسان را بنده و برده ی خود ندانسته بلکه با بخشیدن خرد جایگاه والایی به او داده است. از دیدگاه اشو زرتشت خداوند سراسر نیکی و داد است.

### تکوهش قربانی های خونین

انجام آیین های قربانی و نوشیدن نوشابه های هوش ربا و پایکوبی و سرمستی بیش از اندازه آن چیزی است که بارها در گاهان مورد نکوهش قرار گرفته است. چنان که در هات ۳۲ آمده است: «کسانی که با آموزش های خود مردم را از نیکوکاری باز میدارند و با فریاد شادی جانوران را قربانی می کنند، (بنا بر قانون اشا) پیامد کارهای بد خود را خواهند دید.» از دیدگاه پیامبر بهترین پیشکش به مزدا قلب پاک و باوری درست است.

### قانون اشا

نگرش آیین اشوزرتشت به هستی پیرامون، پیروی و پیوستن به قانون اشاست. از دیدگاه اشوزرتشت اهورامزدا جهان را بر پایه ی هنجاری آفریده که بر تمام هستی فرمانرواست و «اشا» نام دارد. انسان باید خود را با هنجار هستی که بازتاب اراده و خواست خداوند است همگام و همراه سازد.

### تازگی و پویایی

در آیین اشو زرتشت در راستای قانون اشا نه تنها واپس گرایی روا نیست بلکه ایستایی و سکون نیز ناپسند است. «فرشه» واژه ای از پیام اشو زرتشت است که همگان را به سوی تازگی سفارش می دهد. تازگی که نمودار آن تازه شدن جهان هستی در بهار پس از هر زمستان سرد و ساکن است.

## ماهنامه زرتشتیان آگهی می پذیرد

برای درج آگهی خود با شماره

۷۱۴ - ۸۹۳ - ۴۷۳۷

و یا با پست الکترونیکی

info@czcjournal.org

تماس حاصل فرمایید.



Fred Mandegari  
Realtor

فرهاد ماندگاری  
مشاور املاک

Your Real Estate Consultant in Orange and Riverside Counties  
Contact me for Buying or Selling

Houses, Condos, Estates, Income Properties, Commercial Building, Commercial Lease and Hospitality

Cell Number: (949) 300-4195



Email: fredmandegari@firstteam.com  
Log on for listing: www.LiveInOC.com



برای انجام  
کارهای لوله کشی و گرفتگی لوله های فاضلاب  
با فرهود

با شماره تلفن 714 - 331 - 8428

تماس بگیرید



## چهره اشوزرتشت

### در شاهنامه

به کوشش: مهزاد شهریاری

در شاهنامه این گرانمایه یادگار روزگار باستان، بارها از زرتشت یاد شده، پس چه نیکو است که ما آنها را دانسته و به روان آن شاعران توانا درود فرستیم. در زیر نمونه هایی از شعرهای شاهنامه پیرامون دین بهی و زرتشت آورده شده است:

تو را سوی یزدان همی رهبرم...  
یاموز از راه و آیین او  
بی دین نه خوب است شاهنشهی

به شاه جهان گفت پیغمبرم  
زگوینده بپذیر به دین او  
بیاموز آیین دین بهی

اشوزرتشت پیمبر با دست خود در آتشکده مهر برزین سروی (سرو کاشمر در شاهنامه) کاشت و بر تن آن نوشت که گشتاسب دین بهی را پذیرفت، این سرود بعدها بسی تنومند گردید و نظیر آن هیچ کجا یافت نشد:

نیشن بر این زاد سرو سهی  
گوا کرد مر سرو آزاد را

که پذیرفت گشتاسب دینی بهی  
چنین گستراند خرد داد را

گشتاسب بزرگان را دعوت کرد تا سرو را دیده و راه او را در پیش گیرند، سرو کاشمر نخستین پایه انتشار دین بهی در ایران زمین بود.

بگیرید یک سر ره زردهشت  
سوی گنبد آذر آرید روی

به سوی بت چین برآید پست...  
به فرمان پیغمبر راست گوی

در آن زمان ایران به چین بازمی داد و زرتشت آن را نانکو دانست:

چو چندی سر آمد بر این روزگار  
که در دین ما این نباشد حوژیر  
که تو باژ بدهی به سالار چین  
نباشم بر این نیز همداستان  
به ترکان ندادست کس باژو ساو

خجسته شد آن اختر شهریار  
به شاه جهان گفت زردشت پیر  
نه اندر خود آید به آیین دین  
که شاهان ما در گهی باستان  
به ایران نبودش همه توش و تاو

که خوشایند گشتاسب آمد و به سربلندی ایران انجامید:

نفرمایمش دادن از باژ چیز  
پذیرفت گشتاسب گفتار نیز

گشتاسب بدون توجه به تهدیدها و شکوه های مخالفان زرتشت دین او را گسترش داد و اسفندیار فرزند خویش را به روم و هند و شهر و دهات فرستاد و با کوشش اسفندیار و یاران او دین زرتشت در آن کشورها پذیرفته و بت ها سوزانده شد:

ز دریا و تاریکی اندر گذشت  
بفرمان یزدان و پروردگار  
چو آگه شدند از نکو دین او  
مر این دین را بیاراستند  
بتان از سرگاه می سوختند

به روم و به هندوستان بریگشت  
گذارش همی کرد اسفندیار  
گرفتند از او راه و آیین او  
از این دین گذارش هم خواستند  
بجای بت آتش بر فروختند

اسفندیار به پدر چنین نامه نوشت:

جهان ویژه کردم به فر خدای  
کسی را نیز از کسی بیم نه  
فروزنده گیتی به سان بهشت  
سواران جهان را همی داشتند  
بر این برگردید چندی جهان

به کشور پراکنده سایه همای  
به گیتی کسی بی زر و سیم و نه  
جهان گشته آباد و بر جای کشت  
به ورزی گران ورز می کاشتند  
به گیتی بدی بود اندر جهان

دین زرتشت بسان ابر بهاری بر روی خاک تشنه ایران زمین و سرزمین های مجاور بارید و بدون زور و خشونت ذهن مردمان را از بت ها و اندیشه های بد، لپهایشان را از دروغ و گفتار بد و اندامشان را از کژی و کردار بد پاک کرد و با پیامی ساده، عمیق، نیک، گیرا، لطیف و در برگیرنده همه آنچه دیگران می خواهند بگویند و ناتوانند، جانشین کرد. با آنکه مغولان بارها صورت سیاوشان سرزمین پاک اهورایی را با تازیانه وحشی خود خونین کردند.

چه سان نسوزم و آتش به خشک و تر نرم  
که در قلمرو زرتشت حرف چنگیز است

پدران و مادران ما تازیانه خوردند و این دین بهی را به ما هدیه دادند.

برگرفته از پژوهش در فرهنگ باستانی و شناخت اوستا سومین همایش  
به کوشش م. میرشاهی - انجمن رودکی - پاریس مهرماه ۱۳۷۷

## فروغی در خانه ی سیاه



به کوشش: مهزاد شهریاری

فروغ فرخزاد در سال ۱۳۱۳ در تهران چشم به جهان گشود. پس از گذراندن دوره های آموزشی دبستانی و دبیرستانی برای آموزش نقاشی به هنرستان نقاشی رفت.

در سال ۱۳۳۷ در سن ۲۲ سالگی به کارهای سینمایی روی آورد و در سال ۱۳۳۸ برای بررسی و مطالعه ساخت فیلم به انگلستان رفت. در طی فعالیت سینمایی خود چندین فیلم ساخت و در یک فیلم و نمایش بازی کرد. در این زمینه فیلم «خانه سیاه است» که در باره جذامیان جذامخانه ای اطراف تبریز می پرداخت، برنده بهترین فیلم مستند در سال ۱۳۴۲ شد. فروغ سرانجام در سال ۱۳۴۵ در سن ۳۳ سالگی در اوج شکفتگی استعداد شاعرانه اش به هنگام رانندگی بر اثر یک تصادف جان سپرد. وی را در ظهر الدوله تهران به خاک سپردند.

غزلهای عاشقانه اش را از ترس پدر با دستان خود پاره کرد.

شکستن قالبهای جامعه گناه کوچکی نبود.

زندگی، خیابان درازی بود که هر روز زنی با زنبیل از آن می گذشت؛ و فروغ نمی خواست آن زن باشد. دنیایی را به مبارزه می طلبید. دنیایی با خیابانهای دراز، زنان زنبیل به دست و انسانهایی که به اشعارش به به و چه چه گفتند و در خفا و آشکار «بدکاره» اش نامیدند. او در برابر دنیایی عصیان کرد و در عین عصیانگری مظلوم بود. بی هیچ پشتوانه ای به مبارزه برخاست. نه خانواده اش حامی او بودند، نه شرایط اجتماعی همراهش بود و نه هیچ پشتوانه قابل اعتنایی داشت. نه تنها کسی با او همراه نبود که همه بر ضدش شمشیر از نیام برکشیده بودند. لیکن او فروغی بود در خانه ی سیاه و آتشی بود بر خانه های سیاه اندیشان.

یادش گرامی، خاطره اش ماندگار و راهش پر رهرو باد

برگرفته از ماهنامه فصل نو

### اسیر

به کام دل در آغوش نگیرم  
من این کنج قفس مرغی اسیرم  
نگاه حسرتم حیران به رویت  
و من ناگه گشایم پر به سویت  
از این زندان خاموش پر بگیرم  
کنارت زندگی از سر بگیرم  
مرا یارای رفتن زین قفس نیست  
دگر از بهر پروازم نفس نیست  
نگاه کودکی خندد به رویم  
لبش با بوسه می آید به سویم  
از این زندان خامش پر بگیرم  
ز من بگذر که من مرغی اسیرم  
فروزان می کنم ویرانه ای را  
پیشانی می کنم کاشانه ای را

تو را می خواهم و دانم که هرگز  
تویی آن آسمان صاف و روشن  
ز پشت میله های سرد تیره  
در این فکرم که دستی پیش آید  
در این فکرم که در یک لحظه غفلت  
به چشم مرد زندانبان بخندم  
در این فکرم من و دانم که هرگز  
اگر هم مرد زندانبان بخواهد  
ز پشت میله ها هر صبح روشن  
چو من سر می کنم آواز شادی  
اگر ای آسمان خواهم که یک روز  
به چشم کودک گریان چه گویم  
من آن شمعم که با سوز دل خویش  
اگر خواهم که خاموشی گزینم

## کسی نیست، بیا در خود نگریم:

- تنها وقتی مجازیم از بالا به کسی نگاه کنیم که بخواهیم از زمین بلندش کنیم.
- فرصتها هرگز از دست نمی روند بلکه دیگری آنچه را که تو نیافته ای پیدا کرده است.
- برای آنکه انسان کمال یابد صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است.
- لبخند ارزان ترین راه برای زیبا کردن چهره است.
- اگر دلتان بخواهد هزار راه پیدا می شود و اگر نخواهد هزار عذر و بهانه می تراشد.
- کسی را که خوابیده می توان بیدار کرد ولی کسی که خود را به خواب زده هرگز.
- گاهی همه آنچه که ما می خواهیم دستی برای گرفتن و قلبی برای درک شدن است.

چه متنی زیبا تر از متن شما در رویای بلورین، آن را همین امروز برای ما ارسال  
دارید:

info@czcjournal.org



## بازیهای ورزشی زرتشتیان

رستم شیرمردیان

حدود ۶۰ نفر دیگر بصورت داوطلب در برگزاری این دوره همکاری داشته اند. بازیها به صورت رسمی در صبح روز شنبه اول جولای همراه با برنامه گشایش آغاز شد. بسکتبال، والیبال، پینگ پنگ، شنا و دو و میدانی رشته هایی بودند که در آن ورزشکاران به رقابت پرداختند. مسوولیت برگزاری هر کدام از این رشته ها با یک یا دو نفر از برگزارکنندگان بود و هماهنگی کلی رشته ها را بهروز مهرخداوندی انجام داد. او که به همراه جهانگیر مهرخداوندی مسوول والیبال

بیگ رویداد دیگر، یک گردهمایی دیگر بهانه ای دیگر برای گردهم آمدن و با هم بودن زرتشتیان، این بار ورزش و این بار در لوس آنجلس و در دانشگاه LMU. از سی ام ماه جون ۲۰۰۶ تا چهارم جولای ۲۰۰۶ زرتشتیان لس آنجلس میزبان همکیشان خود از سراسر آمریکا، کانادا و حتی اروپا و اقیانوسیه بودند. میزبان دهمین دوره مسابقات ورزشی زرتشتیان این بازیها که توسط Zoroastrian (Sport committee) برگزار می شود، در سال ۱۹۸۸ توسط بیژن خسرویانی و



عکس از فریدون دمه‌ری

نیز بودند، توضیح می دهد که باید از افراد جدید و مسوولیت پذیر برای برگزاری مسابقات بیشتر بهره گرفت و بازیها را به شکل سازمان یافته تری برگزار کرد. کمک گرفتن از جوانها در برگزاری این مسابقات نکته ای است که فرانک گشتاسی، مادری که فرزندانش در رشته های مختلف شرکت کرده بودند و از برگزاری این مسابقات بسیار خوشنود بودند، نیز به آن اشاره می کند. اما در مورد داوری این مسابقات بهروز می گوید که برای داوری از داوران در سطح بازیهای دانشگاهی دعوت شده است و داوری خوب و بدون مشکل بوده است. در مورد تعداد تیم ها توضیح می دهد که امسال ۱۲ تیم در رشته والیبال شرکت کردند که نسبت به دوره قبل، که ۷ تیم

دیگر دوستان بنیان گذاشته شد و پس از ۱۵ دوره برگزاری، تعداد شرکت کنندگان آن از ۲۰ نفر به ۴۰۰ نفر در این دوره رسیده است. دوره پیش این بازیها در ونکور کانادا بود و دوره آینده احتمالاً در سن دیگو و یا تورنتو برگزار خواهد شد. بهناز دیانت یکی از برگزارکنندگان اصلی و عضو کمیته ZSC توضیح می دهد که دوره اول این بازیها فقط در رشته های بسکتبال و پینگ پنگ بوده است و در یک دبیرستان برگزار شد. برنامه ریزی برای این دوره به صورت جدی از حدود یک سال پیش و توسط کمیته برگزار کننده آن شروع شده است. بهناز دیانت، بیژن خسرویانی، ارشام دیانت، نیاز کسروی، رامین شهریاری، یاسمن فرین، آوا پارسی و شهرام قندهاری زاده این کمیته را تشکیل می دهند. افزون بر این افراد



عکس از فریدون دمه‌ری



عکس از فریدون دمه‌ری

نبوده است پینگ پنگ است. فردوس ایرانی پاسخ گوی این رشته به شرکت نداشتن پارسیان در این دوره در مقایسه با بازیهای ونکور اشاره می کند و اینکه ما باید اشتیاق خودمان را برای شرکت آنان در این برنامه نشان دهیم و سعی نماییم آنها را جذب کنیم. فردوس با اشاره به تعداد میز و همچنین امکانات کمتر در محل برگزاری بازیهای پینگ پنگ می گوید که با وجود همه این ها ما حدود ۱۵ بازی بسیار خوب داشتیم و بازیها حتی در سطح ۱۶ و ۸ نفر برتر بسیار رقابتی و نزدیک بود و این نشان از سطح خوب مسابقات داشت. از رشته های ورزشی که بگذریم، برنامه هایی که برای شبهای مسابقات در نظر گرفته شده بود هم مورد استقبال غیرقابل پیش بینی قرار گرفت. Beach Night که هماهنگی آن را شهلا جمشیدی بر عهده داشت، Disco که سمیرا

شرکت داشتند، خود جهشی به حساب می آید. تیم های شرکت کننده در بسکتبال نیز نسبت به دوره قبل پیشرفت خوبی از نظر کمی داشتند. ۱۴ تیم بزرگ سالان و ۴ تیم نوجوانان بیانگر این موضوع است. بیژن پورجاماسب و ارشام دیانت مسوولان بسکتبال امسال بودند. منوچهر نمیری یکی از برگزارکنندگان به مشکل نامشخص بودن برخی اسامی و شماره های بازیکنان بسکتبال اشاره می کند که شرکت کنندگان و برگزار کنندگان دوره های بعدی باید به آن بیشتر توجه کنند. رامین گودرزی که چندین دوره است در بسکتبال این مسابقات شرکت می کند می گوید که زیاد شدن تعداد بازیکنان و تعداد تیم ها نتیجه مهاجرت های اخیر است و کیفیت مسابقات تقریباً ثابت مانده است. اما چیزی که رامین و افراد دیگری نظیر گیتی هرمز دیاری و پرویز مزدیسنی نیز به آن اشاره



عکس از فریدون دمه‌ری

کسروی مسوول آن بود و Cruise که گیلدا کسروی هماهنگ کننده آن بود. گیلدا از استقبال خوب مردم از برنامه Cruise می گوید و نبود امکان اضافه کردن بلیط ها بدلیل محدودیت های ایمنی کشتی. او همچنین از نیاز کسروی بابت انجام هماهنگی برای خواننده و از فرشته و رستم کسروی بابت Catering و سایر کسانی که در برگزاری این برنامه یاری رساندند سپاسگزاری می کند. حرف ناگفته بسیار است و وقت و جا محدود... آنچه در این چند روز دیدم و شنیدم جز تقسیم دوستی، مهربانی و شادی نبود. سپاس بر همه آنانی که با همت خود این را به ما هدیه دادند. چه آنانی که در این چند سطر از آنها نام برده شد و یا نشد. به امید روزی که هر کدام از ما نیز یکی از آنان باشیم. سال آینده سال ۲۰۰۷ است و ۲۰۰۷ یک عد فرد است، پس باید منتظر مسابقات فوتبال باشیم.

کردند نقش مهمتری است که ورزش و اینگونه رویدادها در گرد هم آوردن و همبستگی جامعه ما دارند و از این رو باید این حرکتها را ادامه داد. شنا از دیگر رشته های این مسابقات بود که آوا پارسی مسوول برگزاری آن بود. شنا در دو گروه بزرگسالان و نوجوانان در بعدازظهر داغ یکشنبه در محل استخر دانشگاه LMU برگزار شد. از دیگر رشته های این دوره دومیدانی بود. جهانگیر مهرخداوندی مسوول این رشته از علت تغییر دومیدانی از ۱۰۰ متر به ۱۶۰۰ متر می گوید: «در ابتدا دومیدانی قرار بود در زمین دومیدانی دانشگاه بطول ۱۰۰ متر برگزار شود، اما در لحظات آخر خبردار شدیم که این زمین تحت بازسازی است و در دسترس نیست و از این رو دومیدانی به ۱۶۰۰ متر تبدیل شد که در خیابانهای دانشگاه برگزار شد.» ۸ نفر خانم و ۱۷ نفر از آقایان در دومیدانی شرکت کردند. پینگ پنگ این دوره ۳۵ شرکت کننده داشت. ظاهراً تنها رشته ای که امسال به گرمی دوره پیش

به امید دیدار



**FREE**

GOOD THOUGHTS

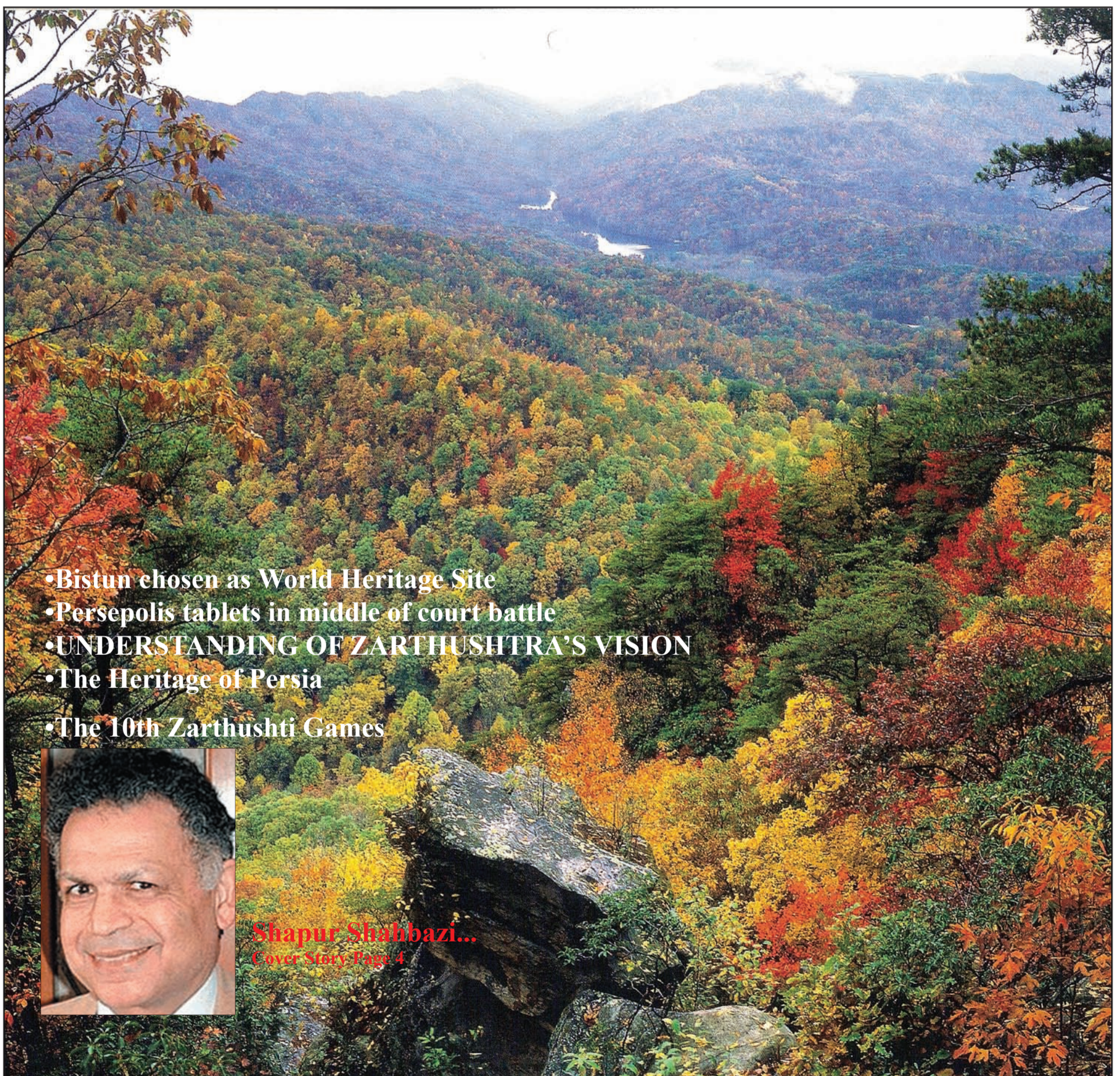


# The **ZOROASTRIAN** Journal

Volume 1, Issue 3

California Zoroastrian Center

Fall 2006/3744 Zoroastrian Calender



- Bistun chosen as World Heritage Site
- Persepolis tablets in middle of court battle
- UNDERSTANDING OF ZARTHUSHTRA'S VISION
- The Heritage of Persia
- The 10th Zarthushti Games



**Shapur Shahbazi...**  
Cover Story Page 4





## مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

### CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE  
WESTMINSTER, CA 92683  
U.S.A.

(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577

[www.czc.org](http://www.czc.org)

Email: [info@czc.org](mailto:info@czc.org)

### CZC FUTURE EVENTS

- September 30th: Saturday at 5:00 PM – Mehregan Festival
- October 17th: Saturday at 5:00 PM – Mr. Rostam Guiv's rememberance day.
- Gahanbar Ayaseram (Beginning of fall)
- Top students recognition day Special ceremony remembring the late professor Pourdavood by his daughter, Pourandokht Pourdavood.
- October 7th and 8th: Saturday and Sunday - the Zoroastrian's Art Gallery. ( Please let us know if you would like to participate. )
- October 15th: Sunday 5:00 PM - Member's Public meeting.  
New life-time members will be announced for public support.
- December 26: Saturday at 5:00 PM – Asho Zarthosht's rememberance day.
- Yalda Night: Beginning of winter, date to be announced.
- New Year Party: Year 2007, date to be announced.

### The Zoroastrian Journal

Vol. I no.3-Publish: Quarterly, Fall 2006

Topics: Religions, Culture, Social, Science, History, News...

Senior Editors: **Behram Deboo, Shahrooz Ash**

Chief Editor: **Mehrdad Mondehari**

Director and Publisher: California Zoroastrian Center

**A non profit organization**

Board of Directors, session 14

Typesetting: **Hassan Alizadeh**

Authors/Writers (in alphabetical order):

**Shahrooz Ash, Arsham Dianat, Armita Dallal**  
**Armin Sorooshian, Dr. Barsam Kasravi, Behram Deboo,**  
**Dr. Jose Abreu, Dr. Niaz Kasravi, Tehran Ghasri**  
**Shahbahram Pooladzandi**





### COVER STORY

**Page 4** - In memoriam: Shapur Shahbazi

### WORLD NEWS

**Page 5** - Bistun chosen as World Heritage Site  
- Persepolis tablets in middle of court battle

### KIDS CORNER

**Page 6** - Martin Haug  
- Gathas

### YOUTH CAFE

**Page 7** - My First Z Olympics  
- Growing up Zoroastrian

### PHILOSOPHY

**Page 8** - Understanding Of  
Zarathushtra's Vision

### GATH'S SECTION

**Page 9** - Ahura Mazda in Gathas  
- Thank you Zarathushtra!

### HUMANITY

**Page 10** - Cyrus the Great's True Message

### ARTS & BOOKS

**Page 11** - The Heritage of Persia  
**History & Culture**  
- Darius and the Suez Canal

### GENERAL

**Page 12** - The 10th Zarthushti Games

## Editor's Note

Watching the recent World Cup Soccer games caused excitement among people of this country and possibly even more so for immigrants. As expected, a team with unity, discipline and better coaching won the Cup. These attributes also apply to groups and communities.

We (Zoroastrians) in Southern California are living in a period of a social change due to the growing Zoroastrian population through immigration. These immigrants (young and old) bring memories and their life stories (good or bad, bitter or sweet) with them. Many of these people could use assistance in finding their way in their new environment.

The California Zoroastrian Center (CZC) is trying to help these immigrants and make this transition easier. Let us not forget that we are followers of Zoroaster who spread the belief to the world of Good Thoughts and looking forward to a bright future with hope and without su-

perstitutions. The CZC helps new arrivals feel welcome through events and gatherings. We (the CZC) are in the process of planning how we can better aid these new immigrants by having meetings and discussions to determine their needs. Unity and harmony will help our society to proceed and be successful.

Having a good count of the Zoroastrian population makes planning easier and more accurate so that everyone can benefit. Thus, we encourage each and every Zoroastrian to become a member of the California Zoroastrian Center

The California Zoroastrian Center as one of the largest Zoroastrian centers is planning to provide new immigrants guidance and support within its power and capability. This is not possible without everybody's help and assistance.



[www.Oshian.org](http://www.Oshian.org)

### Special Thanks to our Sponsors:

-Mr. Fred Z. Moradi  
-Mr. & Mrs. Shahriar Khanideh

**For their Generous Donation**



## In memoriam: **Shapur Shahbazi**

### Prominent Iranian Archeologist passed away

By Shahrooz Ash

On 16 July, Iran lost one of its greatest archeologists. Shapur Shahbazi, 'the father of scientific archeology in Iran', died after nine months fighting stomach cancer. He was 63.



A world expert on pre-Islamic Iranian culture, Shahbazi pioneered studies of the Achaemenid dynasty, one of the most prosperous periods in Persian history. He founded the Institute of Achaemenid Research at Persepolis in 1973, and served as its director until 1978. He left Iran shortly after, and lived in Germany then the United States until his death in Walla Walla, Washington, this summer.

Shahbazi did not, however, sever his links with Iran, and when the opportunity arose

he re-opened the Institute and continued to act as an advisor to the Director until his death.

His academic career spanned four decades. In 1963, he earned a BA in History from Shiraz University. Then he was awarded a scholarship to the University of London, where he gained an MA in Western Asiatic Archeology (1968) and a PhD in Archeology (1973). In 1983, he completed a Post-Doctoral Fellowship in Iranian Historiography from Georg August University in Goettingen, Germany.

In 1978, he attended West Point Military Academy in the United States, and taught military history to the Reserve Officers' Training Corps and the National Guard. Over the years, he also taught a wide variety of courses at universities such as Tehran, Goettingen, Columbia and Harvard. Subjects included Iranian and Middle Eastern culture, art history, ancient history, historiography and women of the classical world. On his death he was Emeritus Professor of Iranian Studies at Eastern Oregon University.

Shahbazi was adept at languages, most notably Persian, Old Persian, English and German, and had a reading knowledge of French, Greek, Arabic and Aramaic.

He published 16 books and 180 academic papers (many of them in the Encyclopedia Iranica), and won many accolades for his work. In 1976, his first major work *Cyrus*

ic, the BBC and the Discovery Channel. In 2005, he was the first recipient of the North American Middle East Studies Association Houshang Pourshariati Award in



the Great won the US national Book of the Year prize.

Other publications include *Persepolis Illustrated* (1976), which was translated into German and French, and his study of epic poet Ferdowsi: *A Critical Biography*, which was published by Harvard University in 1991. He also edited the first volume of the book *Splendor of Iran* (2002), covering the art and culture of pre-Islamic Iran. At the time of his death, he was completing a volume on the Sassanian dynasty, which will be published posthumously.

He was regularly sought out as a consultant for organizations such as the United Nations, UNESCO, National Geograph-

Iranian Studies, 'for his role as one of the few Iranians who have single-handedly rewritten Iranian history.'

At his request, his body was transferred to Iran. He was buried on 31 July in his hometown of Shiraz, in the presence of many Iranian cultural, scientific and academic figures, as well as members of Iran's Cultural Heritage and Tourism Organization. His body lies in Hafezieh, the area surrounding the tomb of the mystic poet Hafiz, where the most notable scientific and cultural figures of Fars province are laid. He is survived by his daughter, Rudabeh, and his second wife, Farideh.

## The top 10 things you should do before you go to the doctor.

By: Barsam Kasravi, MD, MPH Clinical Instructor, Harvard Medical School  
Associate Medical Director, Blue Cross Blue Shield of Massachusetts



Many studies have shown that doctors only provide 50% of the recommended care to their patients. That means you are receiving only half of the care you deserve every time you see your doctor. That is why you need to take charge of the doctor visit, so you can get the most from your doctor and your health care. Below is a list of top 10 things you should do in preparation for your visit, to ensure you get 100% of the care you deserve.

1. Pick the right doctor. Most patients just get assigned a doctor and don't think they can change. The real truth is that doctors have particular personalities and strengths and weaknesses. It is real important to pick a doctor that matches your personality and needs (language, culture, availability, etc.). Don't be afraid to change doctors if you don't think you are a match. We don't take it personally.
2. Make your appointment for first thing in the morning. Doctors are human. They

get rushed and when they are rushed, they tend to take mental shortcuts and forget. They are usually running late after the first few appointments of the day. The best thing you can do is schedule your visits for the beginning of the morning, preferably earlier in the week.

3. Write down your medications for the doctor. Have an updated list of all your medicines, the dosage, and your allergies. We count on you to give us the information so we can update our records.

4. Have a list of your top three concerns. If you go to the doctor with too many complaints, they cannot address all of them adequately, and end up getting frustrated and agitated with all your complaints. Since doctors usually only have fifteen minutes per patient, they can really treat three problems or less in that visit. Schedule follow-up visits for other concerns/problems.

5. Always write down advice you get from your doctor. Studies have shown a patient remembers very little of what the doctor

actually says. Have a pen and paper ready to write down, or have the doctor write down, instructions, medications, or other advice given by your doctor.

6. Follow up on your tests. Most patients believe that if they didn't hear back from their doctor, all tests must be ok. That is usually the case, but not always true. Patients should call and follow-up on all test results, particularly important tests like mammograms and chest x-rays.

7. Do your own research on the internet before you go see your doctor and after you return from your visit. Research your doctor, your illnesses, your medications, and your test results. I would start with websites sponsored by societies (American Medical Association) and physician groups to make sure the information is valid.

8. Be courteous. Remember, doctors are humans too. They have emotions, and many times it causes them to give you better or worse care. Studies have shown doctors who are frustrated with patients

actually provide worse care to them. So be kind to your doctor, thank them for their help, and even send them a thank you card if you think they have been extraordinary. If you are not happy with them, say it in a productive manner or change doctors.

9. Never be afraid to ask. Many patients come into the doctor's office wanting to ask something, but end up making up another illness because they were too afraid to ask. Remember, doctors have heard it all. It's their job to listen.

10. Keep track of your own records. In addition to your medications, it's a good idea to keep a record of your own health. Doctors are famous for losing charts, and not reading everything in them. If you have an updated medical record, that you keep at home, it will help the doctor get a glimpse of your health before treating you. Although most will have your records, yours will be more updated and accurate from your perspective. Hopefully they will match.

**Happiness on to those  
who bring happiness to others**

“Gathas”



## Bistun chosen as World Heritage Site

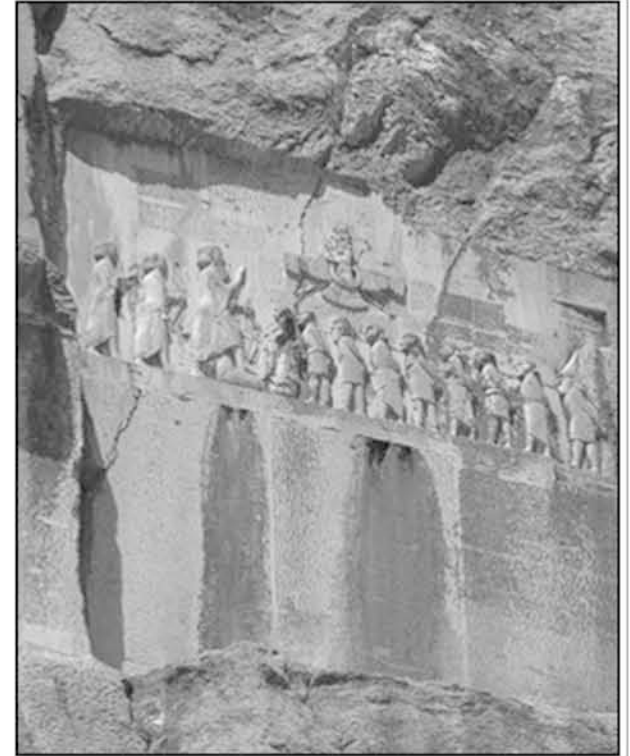
In July, UNESCO added another Iranian historical site to its list of World Heritage Sites – Bistun.

Located 19 miles northeast of the city of Kermanshah, Bistun mountain has long been considered one of the most unique historical sites in Iran. With remains dating from prehistoric times through the Median, Achaemenid, Sasanian and Ilkhanid periods, it has been described by some as a living museum of Iranian civilization.

It is perhaps best known for the bas-relief and numerous inscriptions ordered by Darius the Great in 522 BC. Twelve hundred lines of inscriptions describe his battles in the region, written in the three languages of the time: Babylonian, Elamite, and most notably Old Persian.

With this new admission, the number of World Heritage Sites in Iran has reached eight. The others include Tchogha Zanbil in Khuzestan (listed in 1979), Persepolis (1979) and Pasargadae (2004) in Fars Province, Meidan Emam in Esfahan (1979), Takht-e Soleyman in West Azarbaijan (2003), Bam and its cultural landscape in Kerman (2004), and Soltaniyeh Dome in Zanjan (2005).

The decision was passed unanimously by UNESCO's World Heritage Committee at its 30th session in Lithuania on 14 July. It was met with approval by Iranian cultural heritage authorities, who noted that Bistun will now be afforded greater international protection and greater use of international facilities for cultural conservation.



### North American Zoroastrian Congress

#### IMPACT

“Unleash the Spark Within!”

JUNE 29 -JULY 2, 2007

Toronto, Canada

The Zoroastrian Society of Ontario is very pleased to announce that the 2007 North American Congress will be held in Toronto, Ontario from Friday June 29 to Monday, July 2, 2007.

**The World Zoroastrian Chamber of Commerce** will conduct a session open to all on Friday, June 29, 2007 to develop entrepreneurial skills and showcase our community's business talent.

The Congress will feature thought-provoking speakers on topics of interest to our dynamic community. This is a wonderful opportunity to network and socialize with your fellow Zoroastrians from across North America and other parts of the world.

Our theme is **IMPACT- Unleash the Spark Within!** Our speakers will showcase the impact Zoroastrians have made on the world and the Congress will have an impact on you.

**IMPACT** is a Congress for individuals of all ages. The activities will be targeted to adults with a parallel tract: designed specifically for youth. Content and activities will focus on everything from religion to culture to art, all with a Zoroastrian backdrop. World class presenters will facilitate innovative sessions and workshops. In addition, the Congress will feature artistic and musical talent from within the community and exciting social and sight-seeing activities.

Toronto is a world-class cosmopolitan city offering exciting cultural and culinary adventures. The Congress will be held at the luxurious, newly renovated Sheraton Parkway Toronto North Hotel and Conference Center, where special rates have been negotiated for Congress attendees. <http://www.sheratonparkway.com/>. Stay tuned for special discounts for airline travel!

## COMING SOON!

### Watch for our interactive website

If you have any questions or comments please contact us at:

**[Zoroastrian\\_congress@hotmail.com](mailto:Zoroastrian_congress@hotmail.com)**

So, get ready to feel the **IMPACT!** We hope to see you, your family and friends in Toronto.

## Persepolis

### tablets in middle of court battle

On 27 June, an American federal judge upheld a ruling in favor of confiscating a collection of priceless Iranian artifacts, lent almost 70 years ago to the Oriental Institute at Chicago University. The move has cleared the way for the artifacts to be sold at auction to compensate victims of terrorism in Israel.

The decision has shocked not only many Iranians who see their cultural heritage as being put at risk, but also members of the archaeological world who fear these ancient relics may soon be lost forever.

The relics are part of a collection of 30,000 postcard-sized clay tablets from the Achaemenid era, which were unearthed in Persepolis by a group of scholars from the University of Chicago in 1933. They were lent to the Institute for study four years later, and many have since been returned to Iran.

Painstaking research has since revealed much data of historical significance to Persian scholars. The tablets record payments made at the time of Darius the Great, from 509 to 494 BCE. Among other things, they show that working women at the time received wages three times those of men holding similar positions. Government workers also received various different benefits, including child benefits. There is also evidence in the tablets of a very early postal or courier system.

In 2003, a group of Israeli families took Iran to federal court in the United States. Their relatives were killed in a Hamas suicide bombing in the Ben Yehuda mall in west Jerusalem in 1997, and claiming Hamas was backed by Iran, they won \$71 million in damages. In June of this year, a federal judge, looking for Iranian assets to confiscate, ruled that the Persepolis tablets could be auctioned and the profits given to the families.

Following the court decision, the director of the Oriental Institute, Professor Gil Stein, wrote to the president of Iran's Cultural Heritage and Tourism Organization, strongly condemning the ruling and promising to defend Iran's rightful ownership of the relics. 'The Oriental Institute will do everything in its power to protect cultural patrimony and the character of the tablets as an irreplaceable scholarly data set,' he said. 'The return of the tablets is part of a broadening of contacts between scholars in the two countries. I see returning these tablets as part of a partnership. As we complete our work on other tablets, we intend to return them also.'

Iranian archaeologist Shahrokh Razmjou is quoted as saying of the tablets, 'They are a kind of memory of mankind. They are not a financial source to be used in courts.'

The Iranian government is pursuing legal action through various avenues, including the United Nations and UNESCO. They have secured the services of Washington lawyer Thomas Corcoran and the next court date is set for 25 September.



# Interesting Facts

## Martin Haug



Martin Haug was the first person who translated the Gathas to a European language. He was born in Germany in 1827. Later he became interested in Sanskrit and Oriental languages.

In 1859, Martin Haug traveled to India and became professor of Sanskrit in the city of Poona. There he studied the Avesta and discovered the 17 Songs composed by Zarathushtra. He understood that these Songs were much older than the rest of the Yasna.

Martin Haug then decided to translate these Songs to German. He published his translation in 1860. His translation made it possible for Europeans to read the actual Words of Zarathushtra for the first time. He went on to publish more than 10 books on the Avesta and Zoroastrianism.

[www.Zoroastriankids.com](http://www.Zoroastriankids.com)



- Zarathushtra (Zoroaster in Greek) was the first monotheist. This means he was the first person who believed in one God.

- Zoroastrians call their God Ahura Mazda. Ahura means "Lord" and Mazda means "Wisdom".

- Zoroastrians believe that Ahura Mazda is their Friend. And their purpose in this world is to help God make the world a better place to live.

- Zarathushtra says there are two ways of thinking in the world. One is good and the other is bad.

- Every one is free to choose between good and bad. However, only those who choose the good will achieve happiness and peace.

[www.Zoroastriankids.com](http://www.Zoroastriankids.com)

## GATHAS

- The Gathas are the hymns composed by the Prophet Zarathushtra himself.
- The Gathas consist of 17 songs and 241 stanzas.
- The Gathas are very old. They may be as old as 4000 years!
- The Gathas are the only sacred part of the Avesta (the Zoroastrian scripture) because they are Prophet Zarathushtra's actual words.

[www.Zoroastriankids.com](http://www.Zoroastriankids.com)

Kids Corner was compiled & designed by Armita Dallal



Find the following words in the puzzle below:

Asha      Righteous      Mazda

Wisdom      Good      Choice

Martin      Haug      Yasna

F	M	C	H	O	I	C	E	Y
Z	W	F	Z	A	S	H	A	A
R	I	G	H	T	E	O	U	S
Q	S	A	B	A	C	I	K	N
G	D	D	B	A	D	T	G	A
U	O	Z	C	R	S	E	O	J
A	M	A	R	T	I	N	O	L
H	C	M	X	R	V	P	D	Y

### Youth of California Zoroastrian Center organizes variety of different events:

- Weekly events like Movie Nights every Friday at 8:00 PM
- Monthly events like hiking, picnics
- Halloween Costume Party which have always been supported by your attendance. (This year the Halloween party is scheduled on 10/28/2006)
- Discussion Panels on whatever you like to discuss

For more information on youth events refer to <http://www.yczc.com>

**You can support youth group by sending comments, feedbacks and suggestions to [yczc@czc.org](mailto:yczc@czc.org)**



## Pride & Prejudice

# My First Z Olympics

By Tehran Ghasri

Quoting Dickenson, "it was the best of times, it was the worst of times..." is a stunningly accurate description of my experience at the 10th Z Olympics which took place at the Loyola Marymount campus in sunny Los Angeles, California this past July 4th weekend. Consisting of 5 days and 4 nights of sports, bonding, and fun, the Z Olympics was my first exposure to a major Zoroastrian event.

Allow me first to introduce myself. My name is Tehran (yes like the city). I am a true first generation Iranian-American and by "true" I mean I have an Iranian father and a (black) American mother, a rare mix in the Iranian community. My mother gave me my caramel skin, my stature, and curly hair. My father gave me the ability to read, write, and speak Farsi fluently, pride in my heritage, and obviously my name. Together they raised a 25 year old double major graduate in Government, International Politics and Communications with a Masters in Economics. I have a popular TV show on Persian Satellite. And yes, I play basketball too.

Basketball was only one of many sports offered at the Z Olympics. There was also volleyball, track, swimming, even ping-pong. Started in 1988, the Z Olympics has grown to serve as a focal point of the Zoroastrian community by bringing together Zs from all over the world in camaraderie and competition. The 10th Z Olympics boasted a beautiful campus, professional referees, and over 400 athletes who took the games very seriously, including me.

Upon arriving on site we were assigned dorm rooms. My roommate was one of my teammates so I was spared any awkward introductions. From the start the Z Olympics was very well organized, especially for an event of its size. Friday night was Check In and Pizza Night. My teammates had not arrived yet, and even surrounded by so many people I felt very much alone. I did not know anyone and my "mix" makes me used to the stares. But the whispers I heard were not questions about my race. Some people were simply curious. Some people recognized me from the show. But the most prejudice I accounted was from other teams worrying about me being 6'2" and an ex-college basketball player. One by one everyone introduced themselves and by the end of the night I had 400 new friends minus the teams we were to play the next day. Not once did I feel like I did not belong.

Our first game on Saturday morning included a huge crowd of onlookers, families and friends, clapping and cheering in Iranian accents. When we won the "Ghashogh Zanee" began. It was a lot of fun. That night was the Beach Party. There was no DJ but the atmosphere was perfect for a boom box and favorite Persian CDs. There was dancing and meeting even more new people. As sunset fell

a circle gathered around one of the many beach fires as "Dafts" and "Tombaks" took center stage. I did not realize how many Zoroastrians and Z supporters there really were. But that night on the beach there was such a feeling of unity and family that it was hard to miss.

Sunday was the last games before the Semi-finals. We won the first game of the day, but my excitement and effort lead me to a loss and a twisted ankle in the second game. Definitely, "the worst of times".... Our team still made the play offs but my pride was hurt. That night's celebration was a Dance Party in the auditorium where I got to show off my one-legged dance moves. The auditorium was full of people of all ages, everyone having a great time. The highlight of the night was the big dance circle where no one was safe. We had such a good time that the team stayed up late even though we had an early game the next day.

In Monday's game it showed. Even with overwhelming support from the crowd, my twisted ankle and last night's partying made it impossible to win. The team put up a great fight but it wasn't enough. We came up short and I felt like I really lost an Olympic Gold Medal. But my sulking was cured by that night's Cruise. Everyone was dressed to impress. The beautiful crowd mingled and danced to the voice of Pyruz and the Romantics. The smell of "kabob" and "ghormeh sabzi" filled the air. Dinner was excellent, everyone looked great, and the night was amazing.

Tuesday was the last day of events, the Championship games. My loss the day before led me to coaching a children's basketball team. It was the kids that reminded me how much fun sports really were. That day there were underdogs and upsets. The real upset was that the 10th Z Olympics was coming to an end. The medals were handed out followed by a wonderful slideshow depicting the memories of the week. Everyone went back to their rooms and reluctantly packed their bags.

Saying hello to everyone was hard, but saying good bye was the real challenge. I had met so many interesting people and made so many new friends that I didn't want to leave. I would really like to thank all the wonderful people who helped plan and coordinate such a fantastic experience. I hope to continue participating in the events and one day maybe even coach my own children's basketball team. I urge everyone in the community to help continue the tradition of pride and unity that the Z Olympics bring with donations and otherwise. I am very happy to have participated in the Z Olympics and look forward to the next ZSC event. In the end it truly was "the best of times..." See everyone next year, can't wait.

.....

# Growing up Zoroastrian

By Armin Sorooshian

I would like to share some experiences from growing up in the United States as a member of the Zoroastrian faith, which is among a group of religious minorities in Iran. Too many times I have encountered people unfamiliar with this ancient religion, and even more frustratingly some of those who do know about it have a distorted idea that we are fire worshippers.

Zoroastrians pray and face fire or a light source as it is a symbol, analogous to the crucifix in Christianity; the energy of this religion's creator is represented by fire and the sun, which are both pure and radiant. Zoroastrianism is simple to follow as there are three guiding principles: good thoughts, good words, and good deeds.

Iran's constitution protects three religions other than Islam: Zoroastrianism, Christianity, and Judaism. Iran's roots are directly linked to Zoroastrianism, which was the state religion in Persia during the times of famous figures such as Cyrus, Xerxes and Darius.

The late Mary Boyce, an internationally recognized scholar of this religion, said that 'Zoroastrianism is the oldest of the revealed creedal religions, and it has probably had more influence on mankind, directly or indirectly, than any other single faith ... Some of its leading doctrines were adopted by Judaism, Christianity and Islam.'

The greatest rate of migration of Zoroastrians from Iran and India (Parsis) to the United States occurred during the 1970s, presumably for better jobs and higher education opportunities. Offspring of the young adults who came here in the 1970s,

including myself and my brother Jamshid, are expected to preserve the religion. Before doing this, they must find pride and acceptance in their ancestry, and this may be more difficult for Americanized Iranians.

From my personal observation, parents have the most critical role in instilling a sense of pride in US-born Iranians who are exposed to MTV culture and struggle with insecurities about their heritage while trying to fit in with their non-Iranian friends at school. Living near urban centers such as San Jose and Los Angeles, which have relatively larger Zoroastrian populations and temples, makes it easier for kids to befriend other Zoroastrians and maintain ties to their culture and religion. Growing up in Tucson, Arizona, a city with less than 20 Iranian Zoroastrians, I found it difficult getting to know others my age in the faith. But I found a revived sense of pride through a different route: educating my friends about Zoroastrianism.

I have learned that people are very open and willing to learn about foreign cultures and concepts. I encourage others to become active in their communities and to educate as many people as possible, whether American or even other Iranians, about the different religions and cultural aspects of the beautiful country of Iran. Educating others, using technological resources (such as the internet), and experiencing the positive influence of my parents have allowed me to gain acceptance and pride in my ancestors' native country and religion.

شما شایستگی داشتن بیمه کسروی را دارید  
نمایندگی بیمه کسروی تقدیم می کند:

\* بیمه بیمارستانی از ۵۸ دلار به بالا در ماه  
\* بیمه اتومبیل از ۲۵ دلار به بالا در ماه  
\* بیمه خانه از ۲۵۰ دلار به بالا در سال  
\* بیمه های تجاری و کارگری ما در جهان همتا ندارد.

نمایندگی بیمه کسروی از اعتماد جهانی برخوردار  
می باشد. این نمایندگی دوست و مشاور شماست.

888-235-3927

714-542-3014



RABINDRANATH TAGORE'S

## UNDERSTANDING OF ZARTHUSHTRA'S VISION

By: Shahbahram Pooladzandi &amp; Behram Deboo

**'The most important of all outstanding facts of Iranian history is the religious reform brought about by Zarathushtra.'**

- Rabindranath Tagore

Rabindranath Tagore states that Zarathushtra was the first man we know who gave a definitely moral character and direction to religion, and at the same time preached the doctrine of monotheism, which offered an eternal foundation of reality to goodness as an ideal of perfection. All religions of the primitive type try to keep men bound with regulations of external observances. These, no doubt, have the hypnotic effect of vaguely suggesting a realm of right and wrong; but the dimness of their light produces phantasms leaving men to aberrations.

Tagore believed that Zarathushtra was the greatest of all the pioneer prophets who showed the path of freedom to men, the freedom of moral choice, the freedom from blind obedience to unmeaning injunctions, freedom from the multiplicity of shrines which draw our worship away from the single-minded chastity of devotion.

Tagore explains that to most of us it sounds like a truism today when we are told that the moral goodness of a deed comes from the goodness of intention. But it is a truth which once came to a man like a revela-

tion of light in the darkness and has not yet reached all the obscure corners of humanity. There are men we still see around us who fearfully follow, hoping thereby to gain merit, the path of blind formalisms, which have no living moral source in the mind. This will make us understand the greatness of Zarathushtra.

Though surrounded by believers in magical rites, he proclaimed in those dark days of unreason that religion has its truth in its moral significance, not in external practices of imaginary value; that it is to uphold man in his life of good thoughts, good words and good deeds.

But in Zarathushtra's teachings, which are best reflected in his Gathas, we have hardly any mention of the ritualism of worship. Conduct and its moral motives, such as Vohumano, Asha and Aramaiti, have received almost the sole attention in them.

The orthodox [pre-Zarathushtra] Persian form of worship in ancient Iran included animal sacrifices and offering of haoma to the daevas. That all this should be discounted by Zarathushtra shows not only his courage but the strength of his realization of the Supreme Being as Spirit. Here Tagore praises Zarathushtra's wisdom and moral courage.

We are told that it has been mentioned by Plutarch: 'Zarathushtra taught the Persians to sacrifice to Ahura Mazda "vows

and thanksgivings".' What Plutarch here means is that Zarathushtra taught his followers to offer prayers in declaring solemnly to do the right and not to follow the wrong and thanking Ahura Mazda for His blessings, happiness and all that He created for mankind. The distance between faith in the efficacy of bloodstained magical rites and cultivation of moral and spiritual ideals as the true form of worship is immense.

It is amazing to see how Zarathushtra was the first among men who crossed this distance with a certainty of realization which imparted such a fervor of faith in his life and his words. The truth which tilled his mind was not a thing borrowed from books or received from teachers. He did not come to it by following a prescribed path of tradition. It flashed upon him as an illumination of his entire life, almost like a communication to his personal self, and he proclaimed the utmost immediacy of his knowledge in these words:

**'When I conceived of Thee, O Mazda, as the very First and the Last, as the most Adorable One, as the Father of Good Thought, as the Creator of Truth and Right, as the Lord Judge of our actions in life, then I made a place for Thee in my very eyes.'** Yasna, 31-4. (Translation by D. J. Irani)

**It was the direct stirring of his soul which made him say:**

**'Thus do I announce the Greatest of all. I weave my songs of praise for Him through Truth, helpful and beneficent to all that live. Let Ahura Mazda listen to them with His Holy Spirit, for the Good Mind instructed me to adore Him. By His Wisdom let Him teach me about what is best.'** Yasna, 45-6.

### He prays to Mazda:

**'This I ask Thee, tell me truly, O Ahura, the religion that is best for all mankind - the religion, based on truth, which should prosper all that is mine, the religion which establishes our actions in order and justice by the Divine Songs of Perfect Piety, which has, for its intelligent desire of desires, the desire for Thee, O Mazda!'** Yasna, 44-10.

With the undoubted assurance and hope of one who has got a direct vision of Truth he speaks to the world:

**'Hearken unto me, Ye, who come from far and near! Listen, for I shall speak forth now; ponder well over all things, weigh my words with care and clear**

**thought. Never shall the false teacher destroy this world for a second time; for his tongue stands mute, his creed exposed.'** Yasna, 45-1.

Tagore thinks it can be said without doubt that such a high conception of religion, uttered in such a clear note of affirmation, with a sure conviction that it is a truth of the ultimate ideal of perfection which must be revealed to all humanity.

There was a time when, along with other Aryan peoples, the Persians also worshipped the elemental gods of nature, on whose favor they depended for the good things of life. But such favor was not to be won by any moral duty performed or by any service of love.

Tagore honors Zarathushtra as the first of the great prophets to call human beings away from their long habit of manipulating tribal gods with magic rituals toward the moral self-transformation that is the noblest mode of spiritual life. Below is translation of one of Tagore's poems ('Where the mind is without fear') by the poet himself:

**Where the mind is without fear and the head is held high;  
Where knowledge is free;  
Where the world has not been broken up into fragments by narrow domestic walls;  
Where words come out from the depth of truth;  
Where tireless striving stretches its arms towards perfection;  
Where the clear stream of reason has not lost its way into the dreary desert sand of dead habit;  
Where the mind is led forward by thee into ever-widening thought and action  
Into that heaven of freedom, my father, let my country awake.**

Rabindranath Tagore was a Bengali poet, philosopher, visual artist, playwright, composer, and novelist whose avant-garde works reshaped Bengali literature and music in the late 19th and early 20th centuries. A celebrated cultural icon of Bengal, he became Asia's first Nobel Laureate when he won the 1913 Nobel Prize in Literature. He was knighted by Lord Hardinge. Tagore interacted with many notable contemporaries such as Mahatma Gandhi, George Bernard Shaw and Albert Einstein, and was invited to Iranian Majlis as a personal guest of Reza Shah Pahlavi. We Persians, should be proud of our heritage and the contribution that our ancestors made to the civilizations of the world.

## LEARN PIANO

تدریس پیانو

(949) 302-6628

حمید ندیری Hamid Nadiri

Have fun while learning to play the Piano/Keyboard from instructor Hamid Nadiri. A world-class Pianist, Composer and Teacher.

Learn a new song every week in various styles from pop to classical.

Call us to schedule an appointment

Nadiri Music School

Parkview Center  
5321 University Dr. Suite F  
Irvine, CA 92612 (949) 726-9400

تدریس پیانو توسط

حمید ندیری

بیانیست، آهنگساز و معلم موسیقی در شهر ارواین  
برای ثبت نام لطفاً با ما تماس بگیرید (۹۴۹) ۳۰۲-۶۶۲۸



## NOOSHIN FARAHMAN, M.D

### Pediatrics- Child Neurology

**Tele: (714) 991-8254**  
**Fax: (714) 991-8241**  
**Pgr: (714) 804-6791**

1751 W. Romneys Drive. Suite A  
Anahaim, CA 92801





## Wise God Ahura Mazda in Gathas

By Behram Deboo

In Yasna 29 of the Ahunavaiti Gatha, there is a divine drama in which the soul of the living world appeals to God to send a mighty warrior who can alleviate pain and misery caused by violence and strife. God asks Asha (truth) if there is any righteous man. Asha replies there is no authority that could do that. God turns to Vohu Manah who says there is a righteous man, Zarathushtra, who has listened to their teachings and who will bring peace and harmony to suffering humanity. The soul of the living world is disappointed, as Zarathushtra is not a mighty king. However, she yields to God, saying, 'You know best', and requests God to grant him spiritual strength and sweetness of speech.

Zarathushtra comes to know his revealed God and calls Him in Gathas: Ahura Mazda, Mazda Ahura, Mazda or Ahura. Mazda is used in the first stanza of the first song, Yasna 28.1. Interestingly, in the second stanza, he uses Mazda Ahura. He also uses other forms such as Ahura Mazda and Ahura.

### What does Mazda Ahura or Ahura Mazda mean?

He combines two nouns 'Mazda' and 'Ahura'. Ahura means a being who is self-existent. It means 'supreme being'. Though God has no gender, it is worth noticing that Ahura is a masculine noun while Mazda is a feminine noun. Mazda means 'super intellect' or 'wisdom'. Mazda Ahura means 'wise creator' or 'Lord'. Ahura Mazda is then 'Lord of super intellect or wisdom'.

### What are the attributes of Ahura Mazda?

Zarathushtra assigns Mazda Ahura six attributes. They are mentioned again and again in many verses. They are: 1. Vohu Manah, 'good mind'; 2. Asha, 'truth' or 'righteousness'; 3. Vohu khashathra, 'God's domain, kingdom and power'; 4. Armaiti, 'love, devotion and tranquility'; 5. Haurvatat, 'perfection, integrity and wholeness'; 6. Ameretat, 'immortality'. The idea is to emulate God's primal principles or attributes for the attainment of the highest spiritual level that could bring blessings for both material and spiritual worlds, so that we all reach the abode of God's light. All six attributes, along with Mazda Ahura, are mentioned in Yasna 45.10, Y. 31.21, etc.

- Ahura Mazda is the first and foremost. He is the same now and forever.

- Ahura Mazda lives in the heavenly realms clothed in light.

- Ahura Mazda grants us bliss, long-enduring gifts of Asha and joy of inner life. He is all-powerful. He helps us to overcome hatred.

- He is the Best - Vahisstem. He bestows the blessings of Good Mind forever. He is the most worthy of praise.

- He gives freedom of choice. Thus, we are responsible for our actions. Let it be as He wishes us to be. He rules at will.

- He knows best, whether it is past, present or future. He has established two principles of prosperity and adversity for mortals. Thus, He is the judge of our actions in this life and the life after.

- He is the light of lights. He grants the abode of light to the righteous souls.

- He upholds the best mind and is in harmony with Asha. He is the creator of eternal laws.

- At the dawn of creation, through His mind, He shaped for us the living world, conscience and intellects. He planted life in the physical body and gave us deeds and teachings so that we may act upon free choice through free will.

- He has designed the material and spiritual laws of life so that we all become God-like. It is the highest spiritual aspiration any human being would like to achieve.

- He is our teacher, guide and comfort and not to be feared as He is not a vengeful God.

- He is lovable as our friend, brother and father. He is Fryo Vahishto, the Most Beloved.

- He is the creator of all and everything. Zarathushtra poses question after question regarding the creation in the Ushtavaiti Gatha.

- Evil is the wrong choice a soul makes between the creative, progressive mentality and destructive mental force. Evil does not exist until we give a substance to it.

- One should choose Asha and Good Mind to be God's Hamkar (co-workers).

Of course, there is more in Gathas, but to keep it short, these are the salient points one can ponder upon. Firdowsi knew the meaning of Ahura Mazda as, in the beginning of Shahname, he says, 'Be Nam-e Khodavande Jan o Kherad' ('In the name of the Creator of life and wisdom'). Atha Jamyat, Yatha Afrinami. So be it, as I pray. [David – are these last two sentences supposed to be in this paragraph or on another line?]

## Thank you Zarathushtra!

By: Dr. Jose Abreu

**Thank you Zarathushtra, for your benevolence!  
For teaching me how to be in God's presence.  
Now I know it is possible a conversation  
With the most powerful fashioner of creation.**

**Your message teaches that with a good mind  
It is easy and normal to approach the divine.  
I shall thank you during an eternity  
For showing me the way to meet divinity.**

**You say that with the Wise One I can talk,  
And on his side I can walk,  
If I can only grasp righteousness,  
He will come to me with radiant happiness.**

**Zarathushtra, if I could hear the voice of the Wise,  
As you did, Radiant Happiness inside of me shall arise,  
Because just a plain thought-provoking word  
Will bring enough peace and love to this needed world.**

**You made me clearly understand  
That Ahura Mazda is my friend.  
This is an important and valuable lesson,  
Which now I can teach my daughter and son.**

**How can I ever thank you in this mortal's land?  
If I am only in this world a simple man.  
You, with your Gathic light Made me realize that Ahura Mazda is at sight.**

**I will not find words in my imagination,  
No worthy presents to give  
As long as I live To reward you for your precious orientation.**

**One thing I can promise in essence:  
To let others know about the divine existence  
And according to what you requested to our Lord.**

**For Advertising in  
The ZOROASTRIAN Journal  
Please Call**

**714-893-4737**

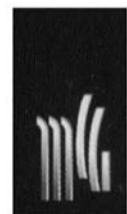


**رامین استواری  
RAMIN OSTOWARI  
Realtor**

26010 Accro Street, Suite 200  
Mission Viejo, CA 92691

Mobile: 949.230.7231  
Fax: 949.266.9811

E: Ramin@My-RealEstate-Guy.com  
www.TheMichaelCliffordGroup.com



— The —  
**Michael  
Clifford  
Group**

*"When you want results and not just promises"*



## Welcome to “Humanity”

Dear Friends,

Welcome to the newest sections in the Zoroastrian Journal: Humanity. This section is put together with the hope of helping create awareness among our readers about events that have an impact on the inherent dignity entailed in being human. The topic is intentionally broad and can include anything from human rights violations to stories that give us hope and help us tap into our own humanity. The one thing we ask is for you to remember that even the most disheartening story presents an opportunity for us to try and do something about it. In essence, this is a golden opportunity to practice “Good Thoughts, Good Words, Good Deeds” in full.

We invite you to read this section and learn about events that are happening in the world, be they within or outside the Zoroastrian community. We also look forward to submissions from those of you who would like to contribute to “Humanity”. Send all submissions, inquiries and comments to: Niaz Kasravi (nkasravi@gmail.com).

Sincerely,

The Zoroastrian Journal Team

### Practicing Tolerance in an Intolerant World:

## Cyrus the Great’s True Message

By Niaz Kasravi, Ph. D.

As Iranians we are taught about being descendants of Cyrus the Great, who is widely known to have issued the first known human rights doctrine. As Zoroastrians, we are taught that first and foremost we are to think good thoughts, speak good words, and do good deeds. A sense of pride about this lineage is instilled in us from the start. Let’s examine exactly what that pride is all about and how we can use it to change the course of our history.

### The Cyrus Cylinder

Discovered in 1879 in Babylon, the Cylinder containing Cyrus the Great’s message on human rights dates back to the 6th century B.C. It relays a message that is often thought characteristic of Persian rule in the Achaemenid (Hakhamaneshi) Dynasty, including: religious tolerance, freedom of choice, and abolishment of slavery. The extraordinary vision and respect for human dignity that Cyrus had can be seen in his words which appear on the Cylinder:

“ Now that I put the crown of kingdom of Iran, Babylon, ...on the head, with the help of [Ahura] Mazda, I announce that I will respect the traditions, customs and religions of the nations of my empire and never let any of my governors and subordinates look down or insult them until I am alive. From now on, until [Ahura] Mazda grants me the kingdom favor, I will impose my monarchy on no nation. Each is free to accept it, and if anyone of them rejects it, I never resolve on war to reign. Until I am king...I will never let anyone oppress any others. “

Not until 14 centuries later did Western countries establish the United Nations (UN) and formally adopt these principles.

### A Universal Declaration of Human Rights

The UN Charter declares, “We the people of the United Nations [are] determined... to reaffirm faith in fundamental human rights, in the dignity and worth of the human person, in the equal rights of men and women and of nations large and small.” The UN’s main goal is to promote and protect the inherent rights of individuals to be free from repression, especially at the hands of governments. Basic freedoms such as the right to life, freedom from torture, freedom from slavery, freedom from being assaulted, and freedom from arbitrary detention, imprisonment, and execu-

tion are considered universal and are to be enjoyed by everyone, even if governments fail to recognize and implement them. Perhaps the single most important document that sets forth international standards for human rights is the Universal Declaration of Human Rights (UDHR), adopted by the General Assembly in 1948. Through recognizing the “inherent dignity” and “equal and inalienable rights of all members of the human family,” the UDHR provides “the foundation for freedom, justice, and peace in the world.”

### So, What Went Wrong?

Today, one need only to glance at the front page of the newspaper to realize that the image of peace and freedom that Cyrus the Great and the founders of the UDHR had for the world has not yet been achieved. ‘What did we do wrong?’ we might ask. A better question to ask ourselves is, ‘What didn’t we do right?’ It’s quite easy to put things down on paper and create international standards that guarantee freedom, justice, and peace. But, to take steps and

actively pursue measures to ensure these standards are met requires work from each and every one of us. What we did is to allow ourselves to become overwhelmed with the complexities of our world. What we did is to think that other people, other groups, and other organizations, whose “job” it is to work on human rights issues are really the only ones who can do the job. What we failed to do is realize that each of us can make a difference and, hence, we didn’t get involved in the effort.

### Where to Go from Here...

The key element to begin a resolution and restore some semblance of peace in our world is to consciously practice tolerance: tolerance for different religions, tolerance for different races, tolerance for different cultures, and even tolerance for those with whose beliefs and lifestyles we might completely disagree. Is this not precisely the message of Cyrus the Great? And, don’t we all take pride in the fact that we come from his lineage? That pride means nothing unless we put it into action by following his example. With this tolerance, each of us is fully equipped to participate in the human rights movement, the rest is rather simple.

Here are some suggestions to get you started on becoming a defender of human rights:

- **Select an area or an issue that you care about. There are countless groups and organizations on the local, national, and international level that have laid the groundwork for each of us to take action. To get involved in this movement requires simply the click of button on your keyboard.**

- **Learn about the recent history of work being done on that issue.**

- **This information is easily found on the websites of organizations whose work is relevant to your issue.**

- **Talk About Your Issue**

- **Discuss what you have learned with your family and friends. Chances are if you find the topic interesting, they will too.**

- **Take Action**

There are a number of different ways to do this, some of which require absolutely minimal time. Volunteering, donating funds, signing petitions, educating others, or taking part in larger campaigns represents a broad spectrum of activities that you can do individually to help advance the human rights movement as a whole.

But remember to never lose sight of the key element in this effort: tolerance. Be tolerant of those may not agree with you, be tolerant of obstacles that will appear, and most importantly, be tolerant of the often slow pace of change. Once each of us makes an effort – any effort, large or small – to make Cyrus’s vision a reality, then we can rightfully be proud of our heritage.

## Quotes & Fact

### Quotes

The world is a dangerous place, not because of those who do evil, but because of those who look on and do nothing.

Albert Einstein

You must not lose faith in humanity. Humanity is an ocean; if a few drops of the ocean are dirty, the ocean does not become dirty.

Mohandas K. Gandhi

Be the change you wish to see in the world. -Mahatma Gandhi

### Facts

#### Did You Know?

Since 1495, no 25-year period has been without war.

#### Did You Know?

The very first bomb that the Allies dropped on Berlin in World War II killed the only elephant in the Berlin Zoo.

#### Did You Know?

War is not healthy for children and other living beings!



# Darius and the Suez Canal

By Behram Deboo

Darius the Great (522-486 BCE) was the most illustrious king of the Hakhamanish dynasty. His rule was par excellence in so many ways that his contribution to many reforms, projects and building monuments is unparalleled in the history of Persians. Darius is particularly mentioned in Ezra 4-6 as the Persian king under whom the temple at Jerusalem was finally reconstructed, after the Jewish people returned from exile in Babylonia under the protection of Cyrus the Great.

Darius was a staunch Zoroastrian as, in all inscriptions, he thanks Ahura Mazda for helping him to become a king and conquering many lands. In Old Persian, Ahura Mazda became Auramazda.

He tells in one of the inscriptions at Naqsh-e Rostom: 'Adam darayavaush khashaayathiya vazraka, khashaayathiha khashaayathiyaanaam - Paarsa paarsahya ariya ariyachithra.' The translation is, 'I, Darayavaush (Darius), the great (vazraka) king (khashaayathiha). The king of kings - a Paarsa (Persian or Parsi), an Aryan, of Aryan family or descent.' It is clear that Persians considered themselves as Aryans. The language of Paarsa was called Parsi. Later, the Arabs changed it to Farsi.

Darius built roads, bridges and canals. The famous Royal Road ran from Susa to Sardis - a distance of 1500 miles. He introduced the postal service, and messages

reached from Susa to Sardis in five or six days by mounted courier.

It is believed that way back in Egyptian history, Pharaoh Senusret of the 12th dynasty (1878 BCE - 1839 BCE) may have had a west-east canal dug, joining the Nile with the Red Sea, thus allowing ships to pass between the Red Sea and Mediterranean. It was in use as far back as the 13th century BCE during the reign of Ramesses II. It later fell into disuse due to heavy silt coming from the Nile River.

In 600 BCE, Necho II of Egypt tried to re-excavate the canal but was unable to complete the job. It is at this point that Darius the Great entered the story. Herodotus and other Greek writers have written in detail about the construction of a canal connecting the Red Sea with the Nile. Scholars doubted this part of the history.

However, while digging and rebuilding the Canal about 150 years ago, a slab of pink granite was discovered with an inscription in four languages: OP (Old Persian), Elamite, Babylonian, and Egyptian hieroglyphs. This shows that Persians were linguists as they were the rulers of many countries with different languages.

The inscription read: 'Saith King Darius: I am a Persian. Setting out from Persia, I conquered Egypt. I ordered this canal dug from the river called the Nile (OP Piraava)

that flows in Egypt, to the Sea that begins in Persia (Red Sea). When the canal had been dug as I ordered, ships went from Egypt through this canal to Persia, thus, as my desire.'

When the canal was completed, it facilitated the crossing of ships between Egypt through the Red Sea, around the Arabian Peninsula and the Persian Gulf.

We Persians, should be proud of our heritage and the contribution that our ancestors made to the civilizations of the world.



## Arts & Books

# The Heritage of Persia

\* **Book review: The Heritage of Persia, Richard N Frye, Mazda Publishers, Costa Mesa, CA, 1993, paperback, ISBN 1-56859-008-3, pp xiv + 330**

In *The Golden Age of Persia* (1989), the renowned American scholar Richard N Frye, wrote, 'Arabs no longer understand the role of Iran and the Persian language in the formation of Islamic culture. Perhaps they wish to forget the past, but in so doing they remove the bases of their own spiritual, moral and cultural being... Without the heritage of the past and a healthy respect for it... there is little chance for stability and proper growth' (p. 236).

In 1953, the Iranian linguist Ali Akbar Dehkhoda praised Frye for doing just that - promoting an understanding of the importance of Iran in the history of the world.

He bestowed him with the title 'Irandoost' or 'friend of Iran'. Almost 50 years later (2004) a ceremony was held in Iran, paying tribute to Frye's six decades of work on Iranology, the Persian language, as well as the history and culture of Iran.

There may be few scholars who have contributed more to these areas, and Frye's *The Heritage of Persia* is considered by many to be one of the classic texts on the civilization of ancient Persia.

The author wrote the book as a 'scientific-popular' survey of the pre-Islamic history of Persia, aimed to be accessible enough

for both students and the general public. First published in 1962 (with new editions in 1976 and 1993), it covers the history of one of the world's most powerful and long-lasting cultures.

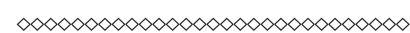
Frye draws upon archaeological, documentary and linguistic sources as well as his extensive first-hand knowledge of Persian history and culture, having worked for many years in the region. The book studies a wider geographical area than modern Iran, including lands outside the modern country which historically have been Iranian in speech and culture. Chronologically, it starts with the arrival of the Aryans in the 2nd millennium BC, follows the fates of the Achaemenid, the Seleucid, the Parthian and the Sasanian dynasties, and culminates in the arrival of Islam 2,500 years later.

'It is hoped,' Frye writes in the Introduction (p. x), 'that *The Heritage of Persia* will show the remarkable continuity of culture,

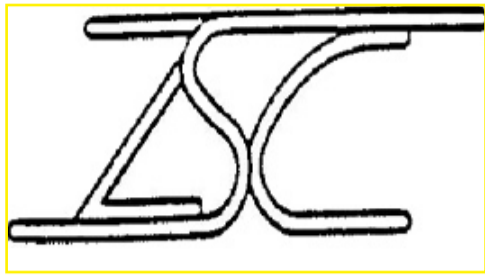
from the time the Iranians came upon the plateau until the Islamicisation of the land in the tenth century AD.'

He claims two approaches that were new at the time of writing: (1) 'that the history of Zoroastrianism can best be understood as the grafting on to the religious beliefs of the majority of Iranian the teachings of the prophet Zoroaster, rather than as the accommodation of aberrant, archaic beliefs to the message of the Gathas'; and (2) 'the extension of the ancient history of the country down to the tenth century AD' (pp. x-xi).

Frye is currently emeritus professor of Iranian Studies at Harvard University, where he founded the Center for Middle Eastern Studies, the first Iranian studies program in America. His other works include *A History of Bukhara* and *The History of Ancient Iran*. In his will, Professor Frye has asked to be buried in Esfahan.







Zoroastrian Sports Committee

## The 10th Zarthushti Games

By Arsham Dianat

Every even year, Zoroastrians throughout northern America and the world begin preparing for the upcoming Zarthushti games. Forming teams, making travel arrangements, training for an individual competition, and finding the right outfit for a social event are all steps involved in gearing up for the Zarthushti games, and this year was no exception. With record numbers of over 350 adult participants and 50 youth participants, this year provided greater opportunities for lasting friendships and fierce competition.

Five countries consisting of Australia, Canada, England, Finland, and Germany, as well as 16 states from the United States were represented by 14 adult basketball teams, 4 youth basketball teams, and 12 volleyball teams, combining for a total of 30 teams. A drastic increase from the 2004 Zarthushti games in Vancouver, Canada where only around 15 teams participated, this number proves to be a huge improvement from the first Zarthushti games in 1988 where only three teams participated for the gold medal prize in basketball. While the growing popularity of the games is evident in the number of teams and participants, it can also be seen through the higher level of competition and intensity displayed on the court

competing athletes, however, are only half the excitement as the banging of pots and pans, the yelling of teams and names, and the holding of signs equate the other half.



Photo by F. Demehri

While teams try to outplay one another on the court, fans also do their part by trying to out-yell and out-cheer each other on the sidelines. With the higher level of



Photo by F. Demehri

as well as in the stands. This year's games registered overtime basketball games and down-to-the-wire matches in volleyball. Rivalries have been formed and every team walks on the court with a newfound confidence for victory and the belief that the gold medal prize is within reach. The

competition and intensity now present at the competitions, there is no doubt that the Zarthushti games are as much for the athletes as they are for the spectators.

In accordance with the team events, the individual competitions at the Zarthushti games have also grown in popularity

and intensity. There were a high number of participants in track, swimming, and ping pong and an equally high number

of memorable races and matches. Track was altered to a 1600 meter event but it did not stop the runners from displaying their great athleticism as several participants recorded a time under the six minute mark in route to a medal finish. With great sunny weather and a serene pool, competitors mixed fire with water as they blazed down the lanes in both individual and relay events. As with any great swimming event, there were several heats for the different participating age groups that contained photo finishes where an outstretched fingertip made the difference between first and second place. Ping pong proved to live up to the hype of all the preceding individual events as the even playing field allowed for close and exciting matches. The final match attracted a great audience and created a grand spectacle as the back-and-forth hitting of the ping pong ball was matched only by the fierce cheering and support of the opposing fans. Thus, while the team events provided excitement with overtime periods, the individual events were no exception as crowds gathered and athletes illustrated their talents in hopes of individual glory.

With teams and participants competing against each other on the court, on the track, or in the pool, the social events al

lowed for the community to grow closer and make lasting friendships. Beach night



Photo by F. Demehri

allowed for those who live inland to experience one of nature's beautiful settings as Dockweiler beach provided a sandy beach and tranquil waves. A raging fire only added to the warmth felt between newly found friends and old friends of the past. The disco night provided a different setting as the tracks of the DJ and the dance floor took the place of the burning fire and the sandy beach at beach night. In addition to conversing, people were now able to show off their dancing skills instead of their social skills. Music ranged from Persian to American as everyone danced the night away. On the final night, a cruise through the Marina proved, however, to be the grand finale for this year's social events. Being on the night before the finals, the cruise allowed for participants to relax and gave everyone a chance to enjoy themselves. The bay showed to be a breathtaking sight and the fireworks display off in the distance only added to the night's beauty. The food was amazing and the live music of Persian pop sensation Pyruz allowed for great dancing and made the night all the more unforgettable. All the social events put on at this year's games proved to be more than a simple gathering. They gave rivals on the court the opportunity to get to know each other; they gave people half way across the world the chance to meet and exchange words that otherwise would have been impossible; and they gave everyone the ability to make one more friend and one more lasting memory.

With a record number of participants and memorable off-court events, this year's games were arguable the best to memory. People come from around the world with hopes that a gold medal will be placed around their neck and the desire to make a lasting friendship. The level of competition has risen, the popularity of the games has grown, and one can hope that it continues to do so. With the games coming to a complete close, people depart the gymnasium and the campus with completely different thoughts and memories. Some leave with the hopes of a repeat championship; some leave with a newfound determination to capture the ever elusive gold; and some leave with a new friend at their side. While the Zarthushti games cause people to leave with mixed and varying sensations, one emotion binds them all: the anticipation of next year's games and the chance to do it all over again.